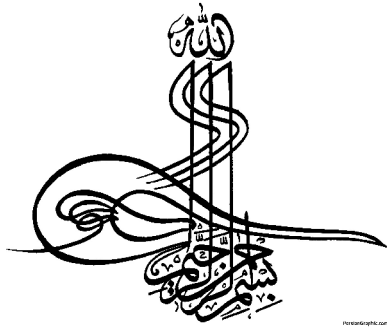


گزارش تحقیقی

وضعیت تعلیم و تربیت در افغانستان

سال ۱۳۸۷





شناسنامه

اثر: وضعیت تعلیم و تربیت در افغانستان طی سال ۱۳۸۷

محقق و نویسنده: محمد حسین حسرت

ناشر: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

سال نشر: بهار سال ۱۳۸۹

ویراستار: عبدالشکور نظری

طراحی: مرتضیٰ علیزاده

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ: مطبعه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

نشانی دفتر: افغانستان - کابل، کارته سه، پل سرخ

تلفونها: ۲۵۰۰۶۷۷-۲۵۰۰۶۷۷ (۰۲۰)

آدرس الکترونیکی: aihrc@aihrc.org.af

صفحه انترنت: www.aihrc.org.af

پیشگفتار و سپاسگذاری

افغانستان از جمله ۱۹۳ کشور است که کنوانسیون حقوق طفل را در سال ۱۳۷۳ هجری شمسی امضا کرده و خود را مکلف به اجرای آن دانسته است. امضا و تصویب اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون بین‌المللی حقوق طفل، مستلزم توجه دولت در امر تطبیق مفاد آن در عمل می‌باشد. بنابراین، به منظور تکمیل مواد کنوانسیون حقوق طفل، دولت جمهوری اسلامی افغانستان مکلف است، آگاهی شهروندان را از مواد و احکام این سند بین‌المللی حقوق طفل بالابُرده و به این ترتیب از حقوق انسانی اطفال که قشر آسیب‌پذیر جامعه می‌باشند، حراست به عمل آورد.

این تحقیق در واقع مدیون تلاش و همکاری محترمه پوهنمل حمیده برمکی، کمیشنر بخش تحقیقات کمیسیون، محترم عبدالقیوم زاهدی، مسؤول بخش تحقیقات کمیسیون و فداکاری تمام همکاران دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌باشد.

در گام نخست، مرهون همکاری پاسخ‌دهندگان و صداقت گفتار و جواب‌انمایی هستیم که دیدگاه، نظر و اطلاعات آنها عصاره و پایه این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

مرهون لطف، شکیبایی و صداقت معلمان و شاگردانی هستیم که با توجه به شرایط ناگوار امنیتی، چشم‌دیدهای خویش را از وضعیت معارف کشور، برای دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر در میان گذاشته و با احسان تمام از ارائه اطلاعات و تجارب عملی‌شان در تکمیل و انجام این تحقیق دریغ نورزیده‌اند.

در پایان، یک بار دیگر از فردفرد همکاران ساحوی و همکاران بخش تحقیق که برای غنابخشیدن و اکمال این تحقیق همکاری کرده‌اند، سپاسگذاری می‌شود.

فهرست

پیش‌گفتار و سپاسگذاری الف
مقدمه ۱

بخش اول روش تحقیق

هدف تحقیق ۲
اهمیت تحقیق ۳
روش تحقیق ۳
حوزه تحقیق ۳
جامعه آماری ۴
نمونه آماری ۴
پیشینه موضوع ۵
مشکلات تحقیق ۶

بخش دوم بحث نظری

تعهدات بین‌المللی و قوانین داخلی در مورد توسعه معارف ۷

بخش سوم یافته‌های تحقیق

تجربه، تشویق و آزمایش در مکاتب ۹
کمبرود کتاب و مواد آموزشی ۱۰
تعداد شاگردان ۱۱
معلولیت معلمان ۱۲

۱۲	معلولیت شاگردان.....
۱۴	تقسیمات صنوف در مکاتب.....
۱۴	زبان تدریس و مشکلات زبانی شاگردان.....
۱۵	ظرفیت‌سازی معلمان.....
۱۶	رهنمود انضباطی.....
۱۸	نوآوری در تدریس و تجربه.....
۱۸	رابطه مکتب و اولیای شاگردان.....
۲۰	انجمن معلمان و اولیای شاگردان.....
۲۱	کمبود معلمان و کارمندان مکتب.....
۲۲	ارزیابی در مکاتب.....
۲۳	تجهیزات و سهولت‌ها در مکاتب.....
۲۴	نظافت در مکاتب.....
۲۴	تعداد شاگردان ثبت‌شده صنوف.....
۲۵	حضور و غیاب شاگردان.....
۲۵	جنگ و دعوای شاگردان.....
۲۶	تدابیر انضباطی در مکاتب.....
۲۷	تجهیزات و تسهیلات صنف‌ها.....
۲۸	خشونت‌های فیزیکی باشاگردان.....
۲۸	آزارواذیت جنسی شاگردان.....
۳۰	نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....
۳۲	پانوشت.....

مقدمه

آموزش و پرورش در هر جامعه و کشوری بی‌اینکه در اهمیت آن اغراق صورت گیرد، نقش محوری و غیرقابل انکار را در تغییر، تکامل و رفاه انسانی بازی می‌کند. تأکید و توجه بر تعلیم و تربیت، اصولاً اذعان به نقش آگاهی و دانش در تغییرات اجتماعی و کاستن از رنج و مشقت‌هایی است که در نبود دانش دامن‌گیر انسان و جوامع انسانی شده است. به همین دلیل است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از چندسال بدینسو پیوسته تحقیقات و مطالعات میدانی منظم را پیرامون تعلیم و تربیت با کیفیت در مکاتب افغانستان به‌راه‌انداخته است. تحقیقات آکادمیک در مورد تعلیم و تربیت و برنامه عمومی و سیاست‌های کلان نظام معارف کشور می‌تواند به درستی کاستی‌ها و ناکارآمدی در این مهم را نشان داده و برای آن راه‌حل و پیشنهادهای مؤثر ارائه دهد. از جانب دیگر، با تأکید بر جنبه‌ها و وجوه حقوق بشری تعلیم و تربیت و توسل به ارزش‌ها و اصول جهانی حقوق بشر، می‌توان مدعی شد که به امر تعلیم و تربیت هم به مثابه حق انسانی افراد هم به‌حیث یکی از شالوده‌های اساسی توسعه و رشد عمومی نباید بی‌توجهی صورت گیرد.

با درنظرداشت آنچه یادآوری شد، تحقیق حاضر برای بررسی و شناخت زوایای گوناگون وضعیت آموزش و پرورش باکیفیت راه‌اندازی شده است. تحقیق روی موضوع مزبور در واقع باتوجه به جزئیات فراوان آن نظیر وجود امکانات تعلیمی، سیاست‌ها و برنامه‌های علمی و عملی، برخورد و رفتار مطلوب با شاگردان، توجه به معلولیت شاگردان، استادان و ایجاد سهولت برای آنها، انضباط و نظم در مکاتب و موضوعات شبیه اینها میسر و ممکن می‌باشد.

آنگونه که گفته آمد، تحقیق کنونی شامل چهار بخش می‌باشد که هربخش مباحث متعدد مرتبط با چگونگی پیش‌برد امور آموزشی در مکاتب و جهات گوناگون آن را پوشش می‌دهد. بخش اول عمدتاً دربردارنده روش تحقیق، حوزه تحقیق، جمعیت آماری، نمونه آماری و مشکلات تحقیق می‌باشد. بخش دوم شامل بحث نظری است که در آن روی پیشینه موضوع، هدف تحقیق، اهمیت تحقیق و تعهدات بین‌المللی و قوانین ملی در مورد توسعه معارف بحث صورت گرفته است. در بخش سوم یافته‌های تحقیق آمده که در آن موارد و موضوعات گوناگون تحلیل و تبیین شده‌اند. در این بخش عمدتاً مواردی چون رعایت و کاربرد تجربه و تشویق در مکاتب، کمبود کتاب و امکانات آموزشی، تعداد مشمولان صنوف، معلولیت شاگردان و استادان، مشکلات زبانی و تدابیر انضباطی در مکاتب با تحلیل و شرح کیفی بیان شده است. موضوعات انضباطی و روابط انجمن‌های والدین و معلمان، سازوکار ارزیابی مکاتب، تجهیزات و سهولت‌ها، حضور و غیاب شاگردان نیز نوآوری در شیوه‌های تدریس از جمله یافته‌های دیگر در این بخش به حساب می‌آید. موضوعات جنگ و دعوای شاگردان در مکاتب، غیرحاضری و غیابت شاگردان، تدابیر انضباطی از منظر شاگردان، خشونت فزینی در مکاتب، آزاروآذیت جنسی و آگاهی‌دادن در مورد آن از جمله یافته‌های دیگری است که زیر عنوان سوم گنجانده شده است.

آنچه گفته آمد، رئوس یافته‌ها و تحلیل‌های به‌دست آمده در این تحقیق می‌باشد که در متن تحقیق نیز حتی الامکان تلاش شده تا از توضیحات و تفصیلات زاید جلوگیری به‌عمل آید. بنابراین در نهایت می‌توان گفت که ادامه پژوهش‌های آکادمیک و تحقیقاتی از این دست می‌تواند به شکل علمی معضلات و کاستی‌های نظام معارف ما را به‌خوبی نشان داده و بادرنظرداشت آن، راه‌حل‌های کارآمد و مؤثری ارائه دهد.

بخش اول

روش تحقیق

هدف تحقیق

دسترسی عادلانه به آموزش و پرورش، رشد نیروهای انسانی، دسترسی برابر زنان و مردان به تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت با کیفیت و فراهم سازی تعلیم و تربیت رایگان برای آحاد مردم و تک تک شهروندان افغانستان از اهدافی کلی است که کمیسیون مستقل حقوق بشر از آغاز فعالیت تا اکنون در بخش‌های مختلف کاری خود تعقیب کرده است.

پیش از این کارگاه، سمینارها و پروژه‌های تحقیقی زیادی در راستای تعلیم و تربیت از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر اجرا شده است. یکی از عمده‌ترین مواردی که می‌شود به عنوان مثال از آن یاد کرد، تلاش کمیسیون به منظور گنجاندن آموزه‌های حقوق بشر در نصاب درسی می‌باشد که این امر با موفقیت تمام به انجام رسید. پروژه تحقیقی زیر عنوان "دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت" در رابطه به چگونگی وضعیت دسترسی اطفال به تعلیم و تربیت می‌باشد که قبل از این (در بخش تحقیق و برنامه ریزی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان) به اتمام رسیده است.

تحقیق کنونی در نوع خود اولین تحقیق در راستای کاوش، جستجو و بررسی ابعاد مختلف تعلیم و تربیت با کیفیت در افغانستان شمرده می‌شود که از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر روی دست گرفته شده است و هر سال نتایج نظارت، جستجو و ارزیابی خود را به شکل گزارش تحقیقی بیرون می‌دهد. تحقیق کنونی عمدتاً روی مفاهیمی چون دسترسی یکسان، کیفیت مواد آموزشی، تعداد مکاتب کافی برای متعلمان، سیاست‌های کارآمد یا ناکارآمد معارف در افغانستان، نصاب درسی، کمبود کتاب و امثال اینها به‌طور آماری و کیفی تحقیق می‌کند.

با توجه به کمبودها و نقایصی که به‌طور طبیعی در هر کار پژوهشی هست، این تحقیق مبنای تئوریک و آماری مفیدی را برای دست‌اندرکاران معارف و کسانی که در سیاست‌سازی و تولید برنامه‌های معارف دخیل هستند، فراهم می‌سازد.

اهمیت تحقیق

تعلیم و تربیت و توسعه نیروی انسانی در یک جامعه آنگونه که در برنامه‌های توسعه در جوامع مختلف به عنوان یکی از محورهای اصلی رشد، ترقی و توسعه عمومی مطرح نظر قرار می‌گیرد، در افغانستان نیز آنگونه که از قوانین، برنامه‌ها و تعهدات ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی افغانستان پیاداست از اهمیت ویژه برخوردار است.

بنابراین، راه‌اندازی تحقیقات میدانی و مطالعه آکادمیک و تحقیقی در مورد مشکلات، گره‌ها و چالش‌هایی که فراراه برنامه‌های تعلیم و تربیت در افغانستان وجود دارد، از گام‌های عمده در راستای بهبود وضعیت تعلیم و تربیت و در کل معارف کشور شمرده می‌شود. از این رو با استفاده از یافته‌های این تحقیق می‌توان آسیب‌ها، کاستی‌ها و نقاط قوت برنامه‌های تعلیم و تربیت و معارف کشور را ارزیابی و برای به‌ترساختن آن پیشنهادهایی را ارائه کرد. افزون بر این میزان حضور و استفاده اطفال از خدمات تعلیمی، برخورداری از امکانات و فرصت‌های فراهم آمده، موانع و دلایل عدم دسترسی به تعلیم و تربیت از مواردی است که شناخت و یافتن آن‌ها به منظور توسعه معارف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنگونه که در گزارش فعالیت‌های وزارت معارف در سال ۱۳۸۷ آمده است، ۶٫۲ میلیون شاگرد در مکاتب کشور مصروف تعلیم و تربیت خواهند بود که از آن جمله ۳۵٫۵ درصد آن شامل دختران می‌باشد.^۱

روش تحقیق

تحقیق حاضر اصولاً یک تحقیق ساحوی می‌باشد که اطلاعات، ارقام و مشاهدات این تحقیق، عمدتاً از حوزه تحت پوشش تحقیق و در صورت نیاز (به وضاحت بیشتر) از تحقیقات و منابع دیگر برگرفته شده است. اطلاعات کمی این تحقیق با مشاهدات و یافته‌های کیفی آن با استفاده از برنامه (Statistical package for the social science SPSS) مقایسه و تحلیل شده است. گزینش مکاتب برای طرح پرسش و جمع‌آوری معلومات، براساس انتخاب تصادفی (random selection) صورت گرفته و جزییات بیشتری در این مورد را در مباحث "جامعه آماری و نمونه آماری"، به تفصیل، مشاهده خواهید کرد.

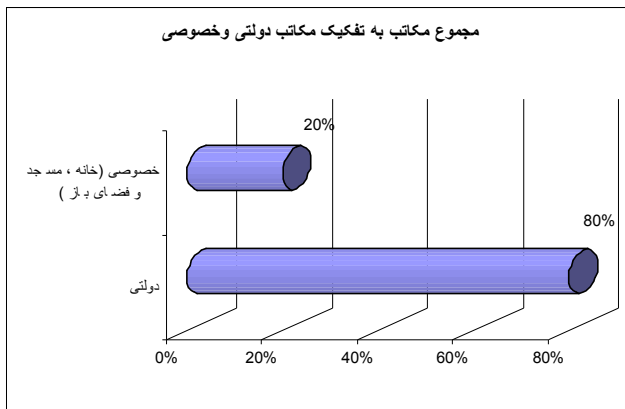
حوزه تحقیق

این تحقیق ۳۰ ولایت را تحت پوشش قرار داده است. در این تحقیق ۳۸۲ مکتب و صنوف مختلف از صنف اول تا دوازدهم مورد نظارت قرار گرفته است. عمدتاً مکاتبی که فاصله زیادی از مراکز ولایات و شهرها دارد کمتر مورد توجه قرار گرفته و از دید نهادهای دولتی و غیردولتی مکتوم می‌مانند. در این تحقیق با درنظرداشت این واقعیت تلاش شده است تا مکاتب از نقاط و نواحی مختلف کشور برای مصاحبه و نظارت طوری انتخاب شود تا نشان دهنده وضعیت تعلیم و تربیت در کل کشور باشد.

^۱ - حساب‌دهی حکومت به ملت، سال ۱۳۸۷، سکتور معارف، صفحه ۱۶۷.

جامعه آماری

اصولاً جامعه آماری هر تحقیقی را جمعیتی تشکیل می‌دهد که با استفاده از اطلاعات، نظرات و دیدگاه‌های آنها می‌توان به تحلیل، ارزیابی و مطالعه یک پدیده، مشکل یا موضوع پرداخت. بنابراین در تحقیق حاضر جامعه آماری یا جمعیت مورد مطالعه را تمام شاگردان تشکیل می‌دهند که دسترسی به خدمات تعلیمی و تربیتی دارند یا به‌نحوی از این خدمات بی‌بهره مانده‌اند. به دلیل محدودیت‌های امنیتی و تدارکاتی که در پوشش دادن متعلمان تمام ولایات کشور وجود دارد، بدیهی است که پژوهش‌گران هر تحقیق دست به نمونه‌گیری می‌زنند. در این تحقیق، نمونه‌های انتخاب‌شده یا نمونه آماری شامل تمام ولایات کشور و دربرگیرنده ۳۸۲ مکتب می‌باشد. مکاتبی که در این تحقیق پوشش داده شده، ۸۰ درصد آن را مکاتب دولتی تشکیل می‌دهد که شامل دختر و پسر از صنف اول تا دوازدهم می‌باشد. از این میان ۲۰ درصد دیگر از دانش‌آموزان در خانه‌های شخصی، مساجد، زیرخیمه‌ها و در فضای باز، برای پیش‌برد امور تعلیمی و تربیتی به سر می‌برده‌اند.



نمودار ۱

نمونه آماری

بدیهی است که پوشش تمام جمعیت مورد نظر در یک تحقیق به دلایل زیادی، امکان‌پذیر نیست. بنابراین پژوهشگران، از جامعه آماری خود نمونه‌هایی را انتخاب می‌کنند که گویای واقعیت موجود در کل آن جمعیت باشد. به بیان دیگر، نمونه آماری باید در تمام جمعیت مورد تحقیق قابل تعمیم باشد و بتواند زوایای مختلف مشکلات در آن جمعیت را نشان دهد. نمونه آماری تحقیق حاضر بادر نظر داشت محل و بعد فاصله از مرکز و تمام موارد دیگری که در برخورد و رفتار معلمان با شاگردان در این ۳۰ ولایت وجود داشته، انتخاب شده است. پرسشنامه‌های این تحقیق در ۳۰ ولایت با ۳۸۲ مکتب مطرح شده که در برخی مکاتب بیشتر

از یک صنف تحت نظارت و مورد پرسش قرار گرفته است. گزینش نمونه آماری در ۳۰ ولایت افغانستان بر بنیاد درجه اعتماد ۹۵ درصد و فاصله اعتماد ۴ با در نظر داشت جمعیت ۱۱۰۰۰ مکتب در سراسر افغانستان به دست آمده است. اساساً ۵۶۹ مکتب بر اساس محاسبه بالا به دست آمده اما این رقم شامل ۳۴ ولایت افغانستان می باشد. با توجه به ساحه تحقیق حاضر (۳۰ ولایت) و ابطال برخی از پرسشنامه ها، ۳۸۲ پرسشنامه از ۳۸۲ مکتب در سراسر ولایات افغانستان قابل استفاده می باشد که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه موضوع

تعلیم و تربیت عصری در افغانستان، پیشینه فراتر از صدسال دارد. اما با وجود این، گسست‌هایی در حرکت و توسعه خطی معارف وارد آمده که موجب شده است، گاهی شاهد و وضعیت مناسب باشیم و زمانی هم خلاف آن را تجربه کنیم. مطالعه تاریخ معارف در افغانستان نشان می‌دهد که از دوره دوم امیر شیرعلی خان ساخت‌وساز مکاتب (دوباب مکتب: یکی به نام مکتب حربی و دیگری به نام مکتب ملکی را به شکل جدید و عصری تأسیس نمود) شروع شد.^۱ روند ایجاد مکتب و توجه به معارف در دوره شاه امان‌الله خان رونق بیشتری گرفت. مباحثی که امروز بر پایه آموزه‌های حقوق بشری، تلقی حق محوری و حقوق شهروندی هرفرد در جوامع گوناگون مطرح شده است، دسترسی به تعلیم و تربیت به عنوان حق بلامنازع هرفرد جامعه را بیشتر از پیش مطمح نظر قرار داده است. بنابراین دیده می‌شود که از آغاز روند تحول معارف در افغانستان، دسترسی به تعلیم و تربیت صرفاً برای اهالی قدرت میسر بوده است.

چنانچه در زمان امیر شیرعلی خان دو مکتب به نام‌های مکتب حربی و مکتب ملکی تأسیس شد که متقاضیان آن از دایره اهالی قدرت فراتر نمی‌رفت. روند تحول و توجه به معارف در زمان شاه امان‌الله خان سرعت بیشتری گرفت و در این دوره بود که نگاه متفاوت نسبت به تعلیم و تربیت در نظام حقوقی و اداری افغانستان به وجود آمد. در این دوره دامنه گسترش مکاتب تا ولایات و مناطق دوردست کشور رسید و دسترسی به تعلیم و تربیت حق شهروند افغانستان تلقی شد. بعد از سال ۱۳۵۷، نظام آموزش و پرورش افغانستان بگونه وصف ناپذیری دستخوش تغییرات شد که عمدتاً شامل اعمال سلیقه برضاب تعلیمی و تربیتی، ناامنی و از میان برداشتن استادان و شاگردان می‌شد. در زمان استیلاي رژیم طالبان بر افغانستان تعلیم و تربیت در وضعیتی قرار داشت که محال است ابعاد مختلف آن را تعریف کرد. مطابق دیدگاه این رژیم در این دوره زنان رسماً از کار و تحصیل محروم شدند و اجازه نداشتند تا به تعلیم و تربیت بپردازند. بعد از سقوط طالبان روزه‌هایی برای فراگیری دانش و گسترش نهادها و مراکز تعلیمی و تحصیلی باز شد و بعد از آن بود که دولت و جامعه جهانی در این عرصه توجه بیشتری مبذول داشتند.

۱ - دلاور نظیرزوی، دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت، کابل، کمیسیون مستقل حقوق بشر، سال ۱۳۸۷،
 ۲ صفحه ۹.

مزید بر آنچه گفته آمد، توجه روز افزون به آموزش و پرورش و سیاست‌گذاری در این زمینه یکی از اهداف عمده‌ای است که بگونه جدی در میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و تعهدات دولت افغانستان به منظور زمینه‌سازی برای برخورداری تمام شهروندان از تعلیم و تربیت انعکاس یافته است. از آنجایی که افغانستان بیشترین جمعیت جوان را در جهان دارا می‌باشد و رقم بالایی از اطفال (۷-۱۲ سال) واجد شرایط آموزش در آن وجود دارد؛ اولویت تعلیم و تربیت باید در صدر برنامه‌های دولت قرار گیرد. با توجه به اهمیت این امر، دست‌یابی به آموزش همگانی ابتدایی هدف دوم از اهداف توسعه هزاره سوم به حساب می‌آید که در افغانستان چشم‌انداز توسعه را برای پانزده سال (۲۰۰۵ - ۲۰۲۰) ترسیم و پیش‌بینی کرده است. اهداف انکشافی هزاره سوم در حوزه معارف پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۲۰، زمینه تکمیل تعلیمات ابتدایی برای تمام اطفال افغانستان اعم از دختر و پسر به‌طور برابر فراهم می‌شود. وزارت معارف کشور نیز در پرتو تعهدات بین‌المللی، میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و قوانین داخلی، برنامه استراتژیک چهارساله خویش را تهیه و تدوین کرده است. پلان استراتژیک ملی معارف، برنامه توسعه معارف را طی پنج سال پیش‌بینی نموده، جزئیات آن را شرح داده است.

مشکلات تحقیق

تحقیقات اجتماعی در کل و تحقیقات ساحوی (به‌ویژه تحقیق حاضر) به‌صورت خاص در افغانستان با چند مشکل جدی مواجه است. امنیت یکی از چالش‌های بزرگی است که در بسا موارد پاسخ به پرسشنامه‌ها، انجام مشاهده و در کل عملیات ساحوی این تحقیق را در ولایات ناامن ناممکن ساخته است. تفاوت‌های فرهنگی وجود سنت‌ها و عنعنات ناپسند از موارد دیگری است که در برخی موارد پرسش‌گر و محقق ساحوی را در جمع‌آوری اطلاعات و انجام مشاهدات‌شان به چالش مواجه ساخته است. تغلل همکاری (ارائه اطلاعات، آمار و کارکردها در عرصه‌های خاص مانند تعلیم و تربیت) در برخی نهادهای دولتی از موارد دیگری است که می‌توان آن‌را به عنوان یکی از مشکلات‌های تحقیق ذکر کرد.

در پایان، کمبود منابع در مورد تعلیم و تربیت و تحقیقات موردی مشابه، انجام تحقیقات ساحوی را اندکی به مشکل مواجه ساخته است.

بخش دوم

بحث نظری

تعهدات بین‌المللی و قوانین ملی دولت در مورد توسعه معارف

تأکید و اولویت آموزش و پرورش به عنوان حق بشری انسانها و نیز به مثابه زمینه ساز تحقق حقوق بشری دیگر در اسناد بین‌المللی و ملی به وضوح دیده می‌شود. در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده سیزدهم آمده است که:

"کشورهای عضو این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسد. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمودی کامل شخصیت انسانی و احساسی حیثیت آن و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این دول طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به‌منظور حفظ صلح تشویق نماید."^۴

کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان نیز در مورد دسترسی به فرصت‌های برابر و از میان بردن تبعیض در استفاده از منابع و امکانات برابر به‌ویژه در مورد تعلیم و تربیت تأکیدات قابل توجهی دارد. این سند در ماده دهم می‌گوید: "کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورند تا به‌منظور رفع تبعیضات علیه زنان به آنها حقوق مساوی با مردان در زمینه تعلیم و تربیت اعطا گردد."^۵

کنوانسیون حقوق طفل یکی از اسناد مهم حقوق بین‌المللی است که در مورد تعلیم و تربیت وظیفه بزرگی را بردوش دولت گذاشته است.

در ماده بیست و هشتم کنوانسیون حقوق طفل آمده است که:

۴ - حقوق بشر در افغانستان، معیارهای ملی و بین‌المللی حقوقی - تهیه‌کنندگان: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کمیساری عالی سازمان ملل متحد، کابل ۱۳۸۵ هـ-ش صفحه ۷۹.

۵ - منبع فوق صفحه ۸۰.

"۱- حکومت‌ها حقوق آموزش و پرورش برای کودک را برسمیت می‌شناسند و به‌ویژه برای تحقق آن:

الف. تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان می‌کنند.

ب. مدارس گوناگون آموزشی و حرفه‌ای را به وجود می‌آورند و آنها را به‌طور ارزان یا رایگان در اختیار افراد کم‌درآمد قرار می‌دهند."

ماده فوق ضمن دو شرط ذکر شده، سه شرط دیگر نیز دارد که به ترتیب بر زمینه‌سازی برای تحصیلات عالی، کاهش اطفالی که مکتب را رها می‌کنند و تحقق اهداف و تعهداتی که این سند از دولت‌ها برای دست‌یافتن به آن می‌خواهند، تأکید دارد.

اعلامیه قاهره (اعلامیه اسلامی حقوق بشر) نیز بر واجب بودن امر تعلیم و تربیت و تعهداتی که دولت‌های اسلامی از رهگذر پذیرش این اعلامیه برای تحقق آن بدوش می‌گیرند، تأکید ورزیده است.

در قوانین ملی نیز در مورد گسترش و همگانی‌سازی فرصت‌ها برای تعلیم و تربیت و توسعه معارف تأکیدات فراوان وجود دارد. قانون اساسی افغانستان در مواد هفدهم، چهل و سوم، چهل و چهارم، چهل و پنجم و چهل و ششم در مورد مکلفیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور زمینه‌سازی فرصت‌ها و امکانات دسترسی شهروندان به آموزش و پرورش و تحصیلات عالی و آموزش‌های دینی تأکید نموده است.

در ماده چهل و سوم چنین آمده است: "تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می‌کنند، فراهم کند." علاوه بر قانون اساسی افغانستان، مبانی حقوقی برای دسترسی عادلانه به تعلیم و ایجاد فرصت‌های برابر را در قوانین عادی کشور نیز می‌توان دید. در ماده سوم قانون معارف چنین آمده است: "اتباع جمهوری اسلامی افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض دارای حق مساوی تعلیم و تربیت می‌باشند."^۸

در مواد چهارم و پنجم این قانون به ترتیب، بر فراهم‌آوری زمینه‌های تعلیم و تربیت به صورت رایگان و تعیین سن اطفال تأکید گردیده است.

علاوه بر اسناد و میثاق‌هایی که عمدتاً با رویکرد حقوق بشری به آنها نگریسته می‌شود، تعهدات و برنامه‌های عمل دیگری نیز وجود دارد که دولت افغانستان را در انجام و دست‌یافتن به اهداف آن مکلف ساخته است. اهداف هزاره سوم افغانستان (MDG)، استراتژی انکشاف ملی کشور و توافقنامه لندن از جمله اسناد دیگری است که بر توسعه معارف به مثابه رکن اصلی توسعه عمومی تأکید ورزیده است.

^۶ - منبع فوق صفحه ۸۰.

- ماده چهل و سوم قانون اساسی افغانستان - جریده رسمی - چاپ ۱۳۸۳.

^۸ - قانون معارف - ماده سوم.

بخش سوم

یافته‌های تحقیق

تجربه، تشویق و آزمایش در مکاتب

آموزش با کیفیت در مکاتب مستلزم نصاب تعلیمی معیاری و مدرن است که در آن موضوعات و مهارت‌های کارآمد در برنامه‌های آموزشی در نظر گرفته شود. در طرح و برنامه درسی مهارت‌ها، توانایی و ظرفیت شاگردان، ابتکار و شیوه‌های برخورد و رفتار آنها با همدیگر، فامیل و جامعه از موضوعاتی است که باید بگونه جدی در نظر گرفته شود.^۹ مهم‌تر از همه نصاب درسی تدوین شده باید دربرگیرنده مطالبی باشد تا با درنظرداشت ظرفیت‌های ذهنی و روانی شاگردان، حداکثر تلاش در راستای شکوفایی استعدادهای ذهنی بالقوه آنها انجام دهد. بنابراین، تجربه، تشویق و شاگردمحوری از موارد به حساب می‌آید که دسترسی به این هدف را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، دسترسی به ابزارهای جدید ارتباطات و جستجوی اطلاعات، برخورداری شاگردان و تجهیز مکاتب با چنین وسایلی یکی از محورهای اصلی بحث در توسعه نظام‌های آموزشی و پرورشی کشورها به حساب می‌آید. شکاف دیجیتالی که در کشورهای جهان برسربرخورداری یکسان از اطلاعات، وسایل آموزشی و غیره وجود دارد؛ این مهم را بیشتر از پیش در صدر اولویت‌های نظام تعلیمی و تربیتی قرار می‌دهد.^{۱۰} اما باوجود این، نمی‌توان با توقع بلند به منظور مجهز شدن با این وسایل، ابتدایی‌ترین مشکلاتی که دامن‌گیر جوامعی مثل جامعه ما می‌باشد را نادیده انگاشت. پاسخ‌هایی که با استفاده از پرسشنامه تحقیق حاضر به دست آمده است، نشان می‌دهد که شیوه‌های جدید و کارآمد به منظور یادگیری و نتیجه بهتر و مثبت‌تری در مکاتب در نظر گرفته می‌شود. از مجموع ۳۸۲ مکتب، ۸۶٫۸ درصد آنها از آزمایشگاه، جدول و تصویر در حین تدریس در مضامین مربوط استفاده کرده است. ۹٫۳ درصد از طرح پرسش، شاگردمحوری، کار گروهی، تشویق و ترغیب در حین تدریس شان استفاده کرده‌اند. ۳٫۹ درصد از شیوه‌هایی چون برگزاری سمینار، درس‌های نمونه‌یی و اصول تدریس در تدریس شان کارگرفته‌اند.

در ۳۸۲ مکتب که تحت پوشش این تحقیق قرار گرفته، ۸۲ درصد آنها کارها، فعالیت‌ها و ابتکارات آموزشی شاگردان را به شیوه جدید ارزیابی می‌کنند. ارزیابی کارشاگردان بشکل

^۹ - A human rights based approach to education for all – Unicef- ۲۰۰۷

^{۱۰} Social watch report ۲۰۰۸ – rights is the answer , page ۴۲ , education.

مقایسه صنوف، اخذ امتحان، ترتیب نشست‌های پرسش و پاسخ و کار گروهی صورت گرفته و به این ترتیب فعالیت‌ها و تلاش‌های آنها مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرد.

تجربه، تشویق و آزمایش در مکتب	
۸۶٫۸ درصد	استفاده از آزمایشگاه، جدول، تصویر
۹٫۳ درصد	طرح پرسش، شاگرد محوری، کار گروهی، تشویق و ترغیب
۳٫۹ درصد	برگزاری سمینار، درس‌های نمونه‌ای و اصول تدریس

جدول ۱

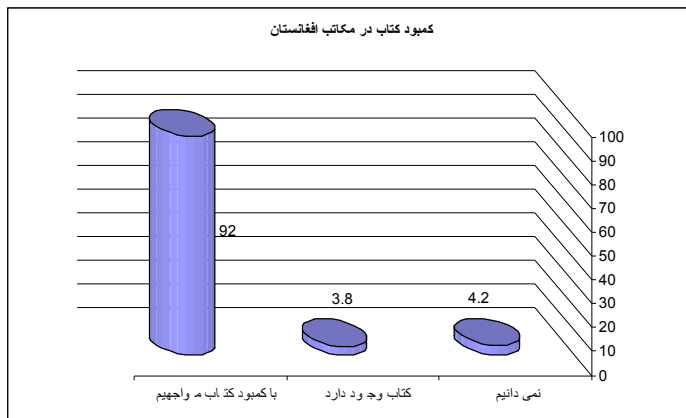
کمبود کتاب و مواد آموزشی

کمبود کتاب در مکاتب افغانستان یکی از مشکلات جدی و گسترده بوده است که کماکان ادامه دارد. هرچند وزارت معارف از چاب و توزیع ۶۱ میلیون جلد کتاب خبر داده است که این امر نشان‌دهنده موفقیت بزرگ در راستای رفع مشکلات ناشی از کمبود کتاب در مکاتب کشور تلقی می‌شود.^{۱۱} از جانب دیگر گزارش‌ها و اطلاعاتی که وزارت معارف در معرض مطالعه و آگاهی شهروندان و نهادهای مسؤوّل قرار داده است، به‌وضوح نشان‌دهنده پیشرفت و توسعه نصاب درسی در نظام تعلیم و تربیت کشور می‌باشد. وزارت محترم معارف اعلام داشته است که در سال ۱۳۸۷، نصاب جدید تعلیمی را مطابق با معیارهای عصری تدوین و ۳۴۲ عنوان کتاب درسی جدید را تألیف کرده است. مزید براین، نظام معارف کشور تمام کتب درسی عصری خویش را به دست آورده و توقع می‌رود تا بعد از سه ماه اول سال ۱۳۸۷ که این گزارش آن‌را پوشش می‌دهد، دسترسی تمام شاگردان مکاتب به کتاب، تأمین گردد. در گزارش مختصری از فعالیت‌های انجام شده این وزارت آمده است که در سال ۱۳۸۷، سی و هشت میلیون جلد کتاب درسی دوره ابتدایی چاپ و توزیع شده است. همچنین به تیراژ ۲۲٫۸ میلیون جلد کتاب درسی قدیمی دوره ثانوی بعد از تصحیح، چاپ و توزیع گردیده است. در گزارش نامبرده فوق آمده است که به تیراژ ۲۵ هزار جلد کتاب راهنمایی تجارب (لابراتوار) مضامین ساینس و صحت برای معلمان صنف چهارم به زبان‌های دری و پشتو چاپ و به تمام کشور توزیع شده است.^{۱۲} باوجود نکته‌ها و ادعاهایی که در بالا آمد، آنگونه که مشاهدات ساحوی و اطلاعات مندرج در پرسشنامه این تحقیق نشان می‌دهد، کتاب و مواد آموزشی در مکاتب از دو لحاظ قابل بررسی است. اول کمبود کتاب از لحاظ کمی در تعداد زیادی از مکاتب کشور که شاگردان مواد آموزشی به‌ویژه کتاب را در حد نیازشان دریافت نمی‌کنند. دوم کیفیت مواد آموزشی و کتاب است که به‌گونه اساسی با اصول و معیارهای علمی تهیه نشده است. باوجود تلاش و فعالیت‌های پیگیر وزارت معارف در زمینه تهیه و تدارک کتاب و مواد آموزشی، نصاب تعلیمی کشور کماکان از تأثیر مطالب و موضوعاتی که در سال‌های قبل برنصاب تعلیمی کشور

^{۱۱} - حساب‌دهی حکومت به ملت - سکتور وزارت معارف - صفحه ۱۶۷

^{۱۲} - حساب‌دهی حکومت به ملت - سکتور وزارت معارف - صفحه ۱۶۷

وارد آمده، رنج می‌برد. در این تحقیق؛ از ۳۸۲ مکتب مورد مطالعه، ۹۲ درصد به کمبود کتاب مواجه بوده‌اند که این کمبودی در اکثر مکاتب، بیشتر از ۷۰ درصد می‌باشد. فقط ۳٫۸ درصد پرسش‌شوندگان گفته‌اند که به کمبود کتاب مواجه نیستند و ۴٫۲ درصد دیگر به این پرسش جواب نداده‌اند.



نمودار ۲

تعداد شاگردان

تعداد شاگردان در مکاتب با در نظر داشت ظرفیت مکاتب، امکانات و سهولت‌های فراهم شده در آن به منظور یادگیری و آموختن، یکی از مواردی بوده که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. مطابق برنامه (پیش‌بینی شده) وزارت معارف در سال ۱۳۸۷، ۶٫۲ میلیون شاگرد که ۴۱ درصد آن‌را دختران تشکیل می‌دهد، مصروف آموزش بوده‌اند.

در ۳۸۲ مکتب که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته، ۵۸۲۸۹۲ شاگرد مصروف آموزش بوده‌اند که ۳۶۰۳۵۰ آن‌را پسران و ۲۲۲۵۴۲ آن‌را دختران تشکیل می‌دهند. در افغانستان بیش از ۶ میلیون دانش‌آموز مصروف آموزش می‌باشند که این رقم در سال جدید با جذب شاگردان در صنوف اول قطعاً افزایش یافته است. بنا به گزارش منتشر شده از سوی وزارت معارف، در افغانستان حدوداً تعداد ۱۰۰۰۰ مکتب وجود دارد که برای هر ۱۵۰۰ شاگرد تقریباً یک مکتب می‌رسد. با در نظر داشت رقم فوق، تقریباً ۵۰۰۰ مکتب ابتدایی، ۲۵۰۰ مکتب متوسط و ۱۵۰۰ لیسه وجود دارد.^{۱۳}

صنّف‌هایی که در مکاتب تحت پوشش این تحقیق بررسی شده، به‌طور متوسط $24m^2$ (۶/۴) مساحت داشته که میانگین شاگردان در آن ۴۱ نفر می‌باشد. شاگردان که در این صنّف‌ها

^{۱۳} - گزارش سوم حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان - تهیه‌کننده کمیسیون حقوق بشر - قوس ۱۳۸۷

مصروف آموزش و یادگیری هستند، با در نظر داشت مساحت صنوف و تعبیه چوکی‌ها در آن اغلب با مشکلات فراوانی مواجه‌اند. مزید براین، نبود امکانات تهویه، نبود آفتاب و سهولت‌های دیگر، می‌تواند روند آموزش نونهالان و کودکان را متأثر سازد.

مکاتب در افغانستان اغلب به شکل پراکنده، بدون در نظر داشت فاصله آن با مناطق مسکونی شهری یا روستایی، ساخته شده است. بنابراین، مکاتب در افغانستان عمدتاً در مناطق شهری متمرکز است و به همین دلیل، اطفال مجبورند فاصله زیادی را تا مکتب طی نمایند. فاصله طولانی مسیر خانه تا مکتب با هزاران مشقت دیگری چون هوای نامساعد، سرک‌ها و راه‌های صعب‌العبور، اختطاف، اذیت‌وآزار، خطر ماین و مواد منفجرناشده و نامنی‌های دیگر همراه است.

مطالعات ساحوی این تحقیق نشان می‌دهد که والدین به اطفال شان، به ویژه دختران به دلیل تهدیدهای امنیتی و اذیت‌وآزار، اجازه رفتن به مکاتبی که از محل سکونت‌شان دور است را نمی‌دهند. مشکلات فصلی نیز، مکتب رفتن را با مشکل مواجه ساخته و بر زمان آموزش شاگردان تأثیر می‌گذارد. این امر بیشتر به دلیل نبود برق یا ناکافی بودن آن برای سرد و گرم کردن صنف بر شدت مشکلات می‌افزاید.

علی‌رغم بازسازی و نوسازی‌های فعلی، هنوز صنوف درسی و مکاتب در سطح گسترده از امکانات لازم برخوردار نمی‌باشند. بسیاری از مکاتب، هنوز در خیمه یا فضای آزاد فعالیت کرده و امکانات صحی مناسب و آب آشامیدنی ندارند.^{۱۴}

معلولیت معلمان

در افغانستان در اکثر مکاتب، معلمانی مصروف تدریس می‌باشند که با معلولیت روبه‌رو هستند. معلولیت معلمان در این مکتب‌ها به هیچ‌وجه بیانگر ناتوانی آنها در پیش‌برد امور آموزشی مکاتب نمی‌باشد، بلکه به دلیل فراهم ساختن لوازم و سهولت‌های مورد نیاز آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در مکاتب تحت پوشش این تحقیق ۹۷۸۹ معلم مرکب از ۳۴۹۷ مرد و ۶۲۹۲ زن مصروف تدریس هستند که از این جمع ۱۵۴ تن آنها معلول می‌باشند.

معلولیت شاگردان

معلولیت شاگردان در مکاتب و فراهم‌سازی سهولت‌ها و امکاناتی که با آن بتوان به نیازمندی‌های آنها پاسخ مثبت ارائه کرد، یکی از مواردی است که در این تحقیق مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. آن طور که از اسناد و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر پیداست، معلولیت یک پدیده ذاتی و ارثی نیست بلکه یک امر عارضی است که به دلایل خاص فیزیکی و روانی بر افراد وارد می‌شود. چنانچه میثاق بین‌المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت، تعریف آتی را از معلولیت ارائه کرده است:

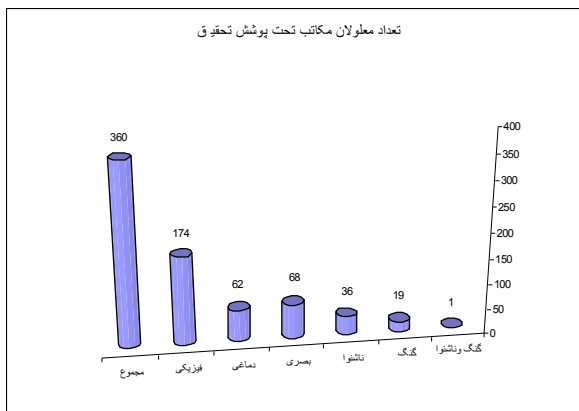
^{۱۴} - صدای مؤسسات غیردولتی در رابطه به آموزش - سلسله اسناد بخش حمایتی اکبر - سال ۱۳۸۷

اشخاص دارای معلولیت اشخاصی اند که دارای عارضه طولانی مدت فیزیکی، حسی یا ذهنی بوده و ممکن در تقابل با موانع مختلف در اثنای مشارکت کامل و مؤثر مبتنی بر اصول برابری بادیگران، تاخیرداشته باشند.^{۱۵}

کنوانسیون حقوق طفل بیان می دارد که کمک به طفل طوری باید تنظیم شود که دسترسی مؤثر طفل معلول و استفاده وی را از تحصیل، کارآموزی، خدمات صحی، خدمات بازپروری، آمادگی برای استخدام شدن و فرصت های تفریحی به طرزى تأمین نماید که زمینه ساز تحقق کاملترین شکل تلفیق اجتماعی و رشد فردی به شمول رشد فرهنگی و روحی وی باشد.^{۱۶}

مطابق ارقام "سازمان بین المللی اشخاص دارای معلولیت" در سال ۱۳۸۴ در حدود ۱۹۶۰۰۰ طفل دارای معلولیت واجد شمول به مکتب در افغانستان وجود داشت و از جمله تنها ۲۲,۴ درصد آنها که ۱۵درصد دختران اند به مکتب های عادی شرکت می کنند و بقیه از اشتراک در تعلیم و تربیت محروم اند. از همین تعداد بیشتر از ۷۵ درصد آنها در جریان دوره ابتدایی مکتب راترک می کنند.^{۱۷}

تحقیق حاضر نشان می دهد که از ۳۸۲ مکتب در ۲۶۸ مکتب تحت پوشش این پروژه تحقیقی، شاگردان دارای معلولیت وجود داشته است. در مکاتب مزبور مجموعاً ۳۶۰ تن شاگرد معلول مصروف آموزش بودند که شامل ۱۷۴ تن معلول فیزیکی، ۶۲ تن معلول دماغی، ۶۸ تن معلول بصری، ۳۶ تن معلول ناشنوا، ۱۹ تن گنگ و ۱ تن هم گنگ و ناشنوا بوده است.



نمودار ۳

^{۱۵} - بند دوم ماده اول میثاق حقوق اشخاص دارای معلولیت، ناشر انجمن حمایتی ملی اشخاص دارای معلولیت

^{۱۶} - بند ۳ ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق طفل

^{۱۷} - گزارش دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان - نظیرزوی - دلاور - نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر - ۱۳۸۷

تقسیمات صنوف در مکاتب

برنامه وزارت معارف افغانستان نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۷ برای دسترسی به مکاتب و بهبود کیفیت معارف، اعمار ۱۲۵۰ مکتب به شمول ۱۰۰۰۰ صنف درسی همراه با تسهیلات آب آشامیدنی، چهاردیواری برای مکاتب تعلیمات عمومی در نظر گرفته شده است.^{۱۸} در افغانستان در مجموع حدوداً ۱۰۰۰۰ مکتب دولتی وجود دارد و هریک از آن‌ها دارای حداقل ۱۰ صنف می‌باشد. معلومات به دست آمده از ۳۸۲ مکتب تحت پوشش این تحقیق نشان می‌دهد که از صنف اول تا دوازدهم، به طور متوسط در هر مکتب ۶۰ صنف وجود دارد. این در حالی است که ۰٫۳ درصد مکاتب زیر پوشش این تحقیق ۲ صنف و ۰٫۶ درصد دیگر بیش از ۱۰۰ صنف هم وجود داشته است. تقسیمات صنوف در مکاتب مختلف کشور در گام نخست گویای تجهیز این مکاتب به سهولت‌ها و امکانات است که به صورت همه جانبه چه از لحاظ جای و مکان یا سهولت‌های دیگر زمینه یادگیری و رشد شاگردان را فراهم سازند. در گام دوم نشان می‌دهد که در برخی از مکاتب حتی ابتدایی‌ترین نیاز شاگردان که همانا موجودیت چهاردیواری و سقف است، برآورده نشده است. از مجموع ۳۸۲ مکتب، مسؤولان ۱۴۴ مکتب گفته‌اند که برای پیش‌برد امور آموزشی‌شان به صورت عادی حداقل به ۱ تا ۱۰ صنف نیاز دارند. در میان ۳۸۲ مکتب، مکاتبی وجود دارد که مسؤولان آنها مدعی شده‌اند که به ۵۰ صنف و حتی بیشتر از آن نیاز دارند. ضرورت به ۵۰ صنف، نشان می‌دهد که چنین مکانی به ابتدایی‌ترین امکانات نیازمند اند که بدون داشتن صنف درسی برای تدریس و مدیریت مسایل آموزشی، نمی‌توان به بهبود معارف و وضعیت مطلوب تعلیم و تربیت امیدوار بود.

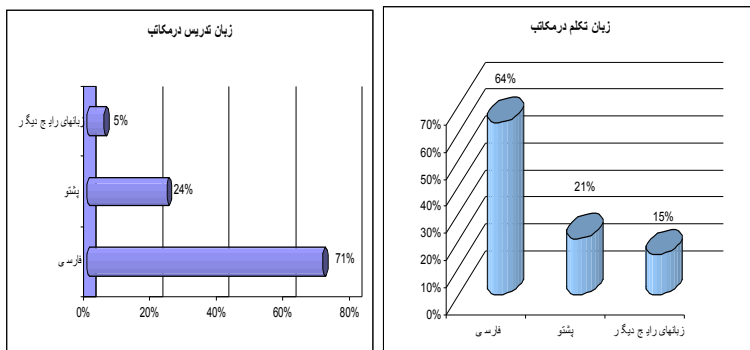
زبان تدریس و مشکلات زبانی شاگردان

زبان تدریس از موضوعات جدی و کلیدی به منظور رشد و یادگیری بهتر شاگردان در مکاتب تلقی می‌شود. بنابراین، یکی از مواردی که در مکاتب می‌باید در نظر گرفته شود، این است که مواد درسی به زبان مادری شاگردان یا به زبانی باشد که شاگردان به وسیله آن موضوعات درسی را به راحتی یاد بگیرند.

آنگونه که ارقام تحقیق حاضر نشان می‌دهد، ۶۴ درصد شاگردان به زبان فارسی، ۲۱ درصد به زبان پشتو و ۱۵ درصد به زبان‌های دیگر مرسوم در کشور تکلم می‌نمایند. این ارقام صرفاً صحبت کنندگان را در محلات و ولایات مختلف نشان می‌دهد که مطالب درسی می‌باید با در نظر داشت آن در مکاتب مربوط به آنها در نظر گرفته شود. مطالعه ۳۸۲ مکتب مزبور مبنی بر این که آیا تدریس به کدام زبان صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد که ۷۱ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که تدریس در مکاتب آنها به زبان فارسی صورت می‌گیرد، ۲۴ درصد به زبان پشتو ۵ درصد دیگر گفته‌اند که به زبان‌های مختلف دیگر (ترکمنی، ازبکی، پشه ای و...) صورت می‌گیرد. در پرسش دیگری که آیا معلمان در حین انجام امور تدریسی‌شان به مشکلات زبانی

۱۸ - گزارش مختصر فعالیت‌های انجام شده وزارت معارف در سال ۱۳۸۶ - پلان فشرده سال ۱۳۸۷ وزارت معارف

مواجه هستند یا خیر، همه پرسش‌شوندگان پاسخ منفی (یعنی اینکه مواجه نیستند) داده‌اند. اما با در نظر داشت ذکر ارقام نکات فوق، مشاهدات محققان ساحوی و نظرات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که در تعدادی از مکاتب، مشکلات زبانی وجود دارد.



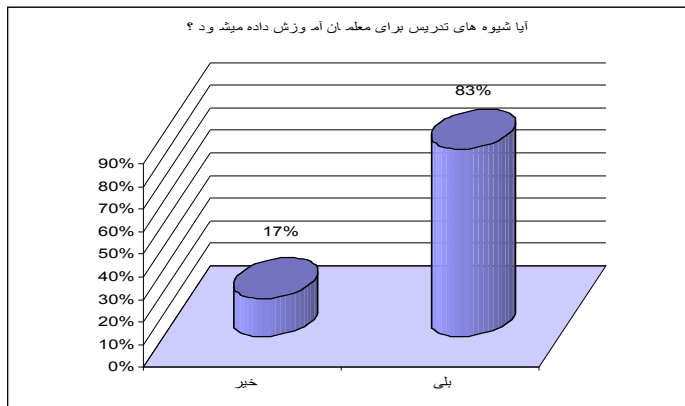
نمودار ۴

ظرفیت‌سازی معلمان

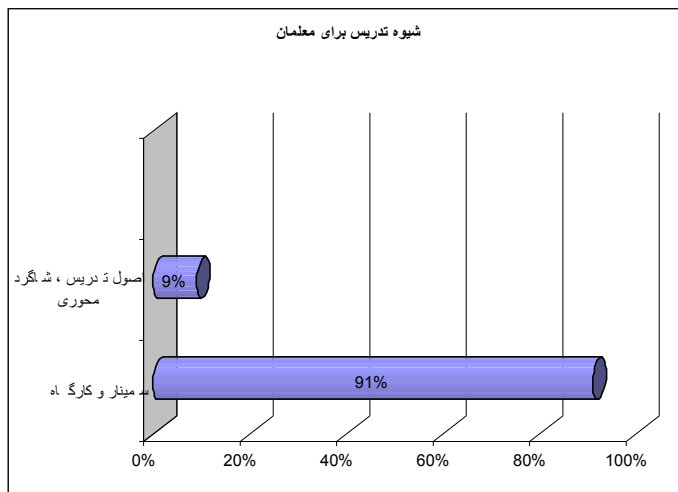
رشد و ظرفیت‌سازی معلمان مکاتب یکی از اولویت‌های کلیدی در زمینه بلندبُردن کیفیت آموزش و پرورش به حساب می‌آید. اما با توجه به اهمیت این نکته، دیده می‌شود که بخش عمده بودجه وزارت معارف، صرف معاشات بوده و این امر وضعیت زیربنایی درونی را تضعیف می‌کند. بیش از ۴۲۵ میلیون دالر بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ توسط تمویل‌کنندگان عمده در بخش آموزش سرمایه‌گذاری شده است^{۱۹}. آنچه از نکته فوق دریافت می‌شود این است که توجه کمتری نسبت به تهیه و تطبیق یک برنامه منسجم، فراگیر و بلندمدت به منظور ظرفیت‌سازی معلمان صورت گرفته است. با وجود این امر دیده می‌شود که برنامه‌های کوتاه‌مدت برای ظرفیت‌سازی معلمان مکاتب در قالب سمینارهای علمی، کارگاه، روش و اصول تدریس برگزار می‌شود.

در مورد پرسشی که از مسؤلان ۳۸۲ مکتب در سراسر کشور مبنی بر این که آیا شیوه تدریس برای معلمان آموزش داده می‌شود یا خیر، ۸۳ درصد آنها جواب مثبت و ۱۷ درصد دیگر جواب منفی ارائه کرده‌اند. از میان کسانی که پاسخ مثبت داده‌اند، ۹۱ درصد گفته‌اند که آنان روش تدریس را از طریق برگزاری سمینار و کارگاه آموزش دیده و بقیه پاسخ‌دهندگان (۹ درصد) گفته‌اند که علاوه بر روش تدریس، اصول تدریس و شاگردمحوری را نیز فرا گرفته‌اند.

^{۱۹} - صدای موسسات غیردولتی در رابطه به آموزش - سلسله اسناد بخش حمایتی اکبر - سال ۱۳۸۷



نمودار ۵



نمودار ۶

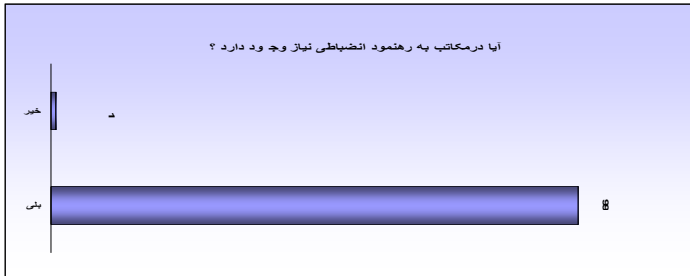
رهنمود انضباطی

رهنمود انضباطی در مکاتب برای شاگردان و معلمان یکی از ضرورت‌های عمده به منظور تقویت نظم و مدیریت بهتر در محیط آموزشی به حساب می‌آید. این امر از احترام متقابل معلم و متعلم گرفته تا توجه به هویت قومی، جنسی و مذهبی شاگردان و حتی شامل امور داخلی صنف و مکاتب نیز می‌شود. گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه آنهایی که گرایش بیشتر به رعایت حقوق بشر در مکاتب دارند، روی رهنمود انضباطی در رفتار و برنامه‌های آموزشی تمرکز کرده‌اند. ایجاد محیط توأم با احترام متقابل، احترام به ضابطه‌های حقوق بشری

و رفتارهای همراه با تحمل و بردباری یکی از زمینه‌های جدی رشد و یادگیری شاگردان به حساب می‌آید.

مزید براین، تهیه یا اعمال ضوابط سختگیرانه و نظم خشک و بی‌مایه در مکاتب سبب می‌شود که نتایج عکس به دست دهد. این امر زمانی بیشتر ملموس است که معلمان برای نظارت و مراقبت بیشتر شاگردان خویش دست به کنترل و تنبیه شدید بدنی و فیزیکی شاگردان می‌زنند. این عمل به ویژه زمانی خطرآفرین می‌شود که معلمان برای سرکوب و مطیع و منقاد کردن شاگردانی که به نحوی از گوش دادن به درس معلمان یا پیروی از ضوابط حاکم بر مکتب سرپیچی می‌کنند، دست به تنبیه شدید بدنی آنان می‌زنند. به جای مطالعه عوامل رفتار یا سلوک غیرقابل پذیرش آنها، پرداختن به سرکوب، کنترل و تنبیه فیزیکی کاری است که نتیجه مؤثر به جا نمی‌گذارد. والترز (walter) و بندورا (Bandura) شواهدی به دست داده‌اند که نشان می‌دهد، کسانی که شاهد و ناظر تنبیه شدن افراد توسط دیگران بوده‌اند در موقع و مکان‌های دیگر، خود به تنبیه کسان دیگری اقدام کرده‌اند. بنابراین، معلمی که در حضور همه شاگردان از عمل تنبیه استفاده می‌کند در حقیقت به شاگردان خود درس پرخاشگری می‌دهد. بارها دیده شده است، اطفالی که از طرف معلمان یا والدین خود لت و کوب شده‌اند، در غیاب به لت و کوب اطفال کوچکتر از خود پرداخته‌اند.^{۲۰}

در پرسشنامه تحقیق حاضر، از پرسشی که در رابطه به وجود یا تهیه رهنمودهای انضباطی، با پاسخ دهندگان در ۳۸۲ مکتب تحت پوشش این تحقیق در میان گذاشته است، اطلاعات و معلومات خوبی به دست آمده است. ۷۷٫۵ درصد پاسخ دهندگان گفته‌اند که مکاتب شان دارای رهنمود انضباطی می‌باشد و مابقی پرسش‌شوندگان و ۲۴٫۵ درصد دیگر گفته‌اند که در مکاتب شان چنین رهنمودی وجود ندارد. در پرسش دیگری که در صورت نبود رهنمود انضباطی، آیا نیاز به داشتن آن در این مکاتب احساس می‌شود، ۹۹ درصد جواب مثبت و صرفاً ۱ درصد جواب منفی ارائه کرده‌اند. این امر نیز خود نشان می‌دهد که داشتن رهنمودهای انضباطی در مکاتب تا چه حد یک نیاز مبرم تلقی می‌شود.



نمودار ۷

نوآوری در تدریس و تجربه

آموزش با کیفیت رابطه مستقیم با نوآوری در تدریس و تجربه در مکاتب دارد. این امر از تغییرات در نصاب درسی گرفته تا استفاده از تجهیزات آزمایشگاهی در مضامین علمی و به کارگرفتن مطالب تولید شده جدید در علوم انسانی همه را دربر می‌گیرد. بنابراین، در پاسخ به پرسش‌هایی از مسؤولان مکاتب در رابطه به نوآوری در تدریس و استفاده از شیوه‌های جدید مطرح شده است که اطلاعات قابل توجهی دریافت شده است. در پرسشی که آیا معلمان در شیوه‌های درسی‌شان از نوآوری کار می‌گیرند یا خیر، ۸۸ درصد جواب مثبت داده‌اند. ۸٫۶ درصد دیگر جواب منفی و ۳٫۴ درصد به این پرسش جواب نداده‌اند. در مورد این که از نوآوری‌هایی چون رسامی، نمایش، آشنایی با طبیعت و غیره در توضیح مطالب و موضوعات درسی استفاده کرده‌اند یا خیر، به‌طور جداگانه جواب‌های ذیل را ارائه کرده‌اند. با کسانی که در مورد رسامی پرسش فوق مطرح شده، ۴۷ درصد پاسخ مثبت و مابقی گفته‌اند که از رسامی استفاده نمی‌کنند و در پرسش جداگانه در مورد نمایش نیز ۳۵٫۱ درصد جواب مثبت و ۶۴٫۹ درصد دیگر جواب منفی ارائه کرده‌اند. در مورد این که آیا در حین تدریس از ابتکاراتی چون آشنایی با طبیعت و معرفی آن به‌ویژه در مضامین علوم طبیعی کار می‌گیرند، ۶۰٫۲ درصد از پرسش‌شوندگان پاسخ مثبت و ۳۹٫۸ درصد دیگر جواب منفی داده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد که علاوه بر روش‌های متداول تدریس در مکاتب، نوآوری‌ها و ابتکاراتی در مکاتب جستجو می‌شود که می‌تواند در بلندبُردن دانش و یادگیری شاگردان کمک نماید. ارقام فوق به‌وضوح نشان‌دهنده نوع نوآوری‌هاست که به ترتیب درصدهای بالایی در مکاتب تحت پوشش این تحقیق وجود دارد.

رابطه مکتب و اولیای شاگردان

رابطه مستحکم و مستمر اولیای شاگردان با مکاتب، یکی از نکته‌های مثبت در امر رشد، نظارت و مراقبت از حضور و غیاب شاگردان در مکاتب، نحوه فعالیت و رشد یا کندی فعالیت‌های تدریسی آنها شمرده می‌شود. در این تحقیق تلاش شده تا چگونگی این رابطه و تأثیرات عملی آن بر نحوه فعالیت‌ها و کارهای شاگردان ارزیابی شود. رابطه مکتب و اولیای شاگردان و نقش آن بر بهبود مشارکت شاگردان در فعالیت‌های درسی و رشد تعلیمی و تربیتی آنها یکی از نکات عمده‌ای است که در تحقیقات قبلی کمیسیون مستقل حقوق بشر مورد بررسی و کنجکاوی قرار گرفته است. در تحقیقی که چند ماه قبل تحت عنوان "دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان" نشر شد، آمده است که ۵۰٫۵ درصد از مجموع والدین پرسش‌شونده اطفال گفته‌اند که آنها با اداره مکتبی که اطفال‌شان در آن درس می‌خوانند در تماس‌اند و از مجموع مسؤولان پرسش‌شونده مکاتب ۹۳٫۶ درصد گفته‌اند که با والدین اطفال در مورد حل و همکاری متقابل در ارتباط هستند.

علاوه برآن، در تحقیق فوق آمده است که هنوز فرهنگ روابط متقابل والدین اطفال و اداره مکتب توسعه نیافته و روند مشارکت والدین در امر مدیریت مکاتب، به‌ویژه در مورد رفع مشکلات اطفال‌شان در مکتب بسیار کند به نظر می‌رسد. این در حالی است که یکی از وظایف اساسی والدین در زمینه تعلیم و تربیت اطفال‌شان این است تا تعلیم، تحصیل و تلاش

علمی آنها را زیر نظر بگیرند و نگذارند که در این قسمت غفلتی روی دهد. مهم‌ترین مراقبت‌ها در این رابطه باید در برگزیده انتخاب مکتب مناسب و انتخاب معلم شایسته برای طفل، خبرگیری از جریان درس او و همکاری با مکتب است.^{۳۱} مسؤولان مکاتب و معلمان نیز به خاطر رفع مشکلات تعلیمی و تربیتی، بهبود کیفیت تعلیم و تربیت و جلوگیری از تخلفات قانونی و تأدیبی شاگردان به والدین‌شان در تماس باشند.^{۳۲}

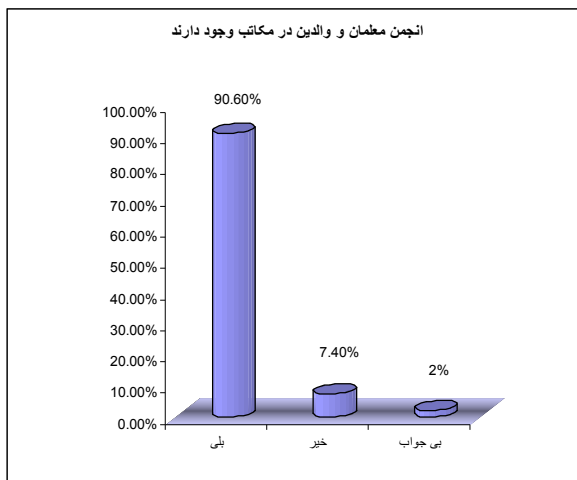
مزید برآنچه که گفته آمد، یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که انجمن‌ها و سازوکارها و ساختارهایی به منظور تأمین روابط والدین شاگردان و مکتب وجود دارد. در پرسشی که در رابطه به وجود انجمن‌های معلمان و والدین مطرح شده، ۹۰٫۶ درصد جواب مثبت و مابقی (۷٫۴) درصد جواب منفی داده‌اند. انجمن‌های متذکره (انجمن‌های معلمان و والدین) در قدم نخست نشان می‌دهد که وجود چنین انجمن‌ها در تأمین روابط مستمر میان والدین و اداره مکتب به منظور مراقبت و نظارت بیشتر شاگردان امر مؤثر به حساب آمده و از جانب دیگر نشان‌دهنده یک سازوکار نظارتی هدفمند و منظم برای بهبود کیفیت درسی و رشد شاگردان شمرده می‌شود. در گزارش‌ها و تحقیقات بین‌المللی با گرایش حقوق بشر نیز بر امر رابطه والدین با مکاتب تأکید شده است. در این رابطه، والدین به عنوان یکی از کمک‌کنندگان مهم نهاد آموزش و پرورش در یک جامعه تلقی شده، و مکاتب حتی باید نصاب درسی و نحوه رشد و موفقیت شاگردان را با والدین در میان بگذارد.^{۳۳}

با در نظر داشت تمام آنچه که گفته آمد، وجود انجمن‌های والدین که به نحوی روابط میان والدین و شاگردان را تأمین می‌نمایند، در بهبود وضعیت تعلیمی و تربیتی شاگردان و در میان گذاشتن مشکلات رفتاری و یادگیری شاگردان با استادان و اداره مکتب‌شان نقش مؤثر و مفیدی ایفا می‌نمایند. شرح بیشتر از چگونگی کار و رابطه این انجمن‌های نامبرده شده، در بحث بعدی خواهیم خواند که بعد از چند مدت و به کدام شیوه روی مسایل بحث و گفتگو صورت می‌گیرد.

۳۱. آموزش حقوق طفل، صفحه ۱۰۸.

۳۲. گزارش دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان - نظیر زوی دلور - بخش رابطه متقابل اداره مکتب و والدین شاگردان.

۳۳. ۲۰۰۷ - A human rights based approach to education for all - UNICEF

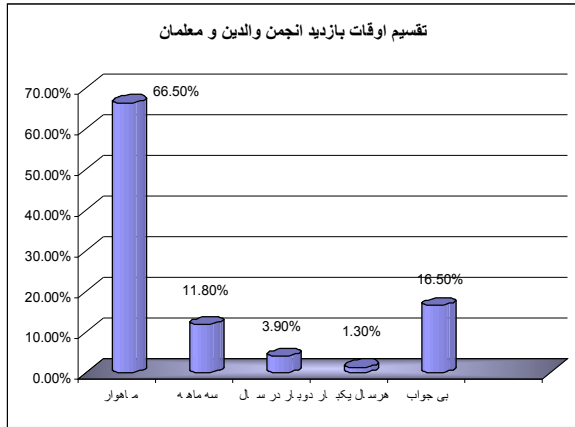


نمودار ۸

انجمن معلمان و اولیای شاگردان

در عنوان قبل نیز تذکر داده شد که درصدی قابل ملاحظه ای (۹۰.۶) از پاسخ دهندگان گفته اند که انجمن معلمان و اولیای شاگردان وجود دارد؛ در پرسش هایی که در رابطه به تقسیم اوقات دیدار انجمن و اولیای شاگردان مطرح شده و این که آنان به کدام شیوه صحبت و گفتگو می کنند، پاسخ های زیر به دست آمده است. در پاسخ به پرسش فوق ۶۶.۵ درصد پاسخ دهندگان گفته اند که انجمن های والدین و معلمان به صورت ماهوار با هم ملاقات دارند و روی مسایل مختلف مکتب بحث و گفتگو می نمایند. ۱۱.۸ درصد دیگر گفته اند که این انجمن ها به صورت سه ماهه، ۳.۹ درصد گفته اند که دوبار در سال و ۱.۳ درصد اظهار داشته اند که این انجمن ها هر سال یک بار با هم ملاقات داشته و روی مسایل مختلف درسی، رشد شاگردان، بدرفتری و موضوعات مختلف مرتبط با مکتب و شاگردان بحث می نمایند. مابقی پاسخ دهندگان (۱۶.۵ درصد) دیگر از پاسخ به این پرسش سرباز زده و هیچ گونه پاسخی ندادند. در تحقیقات مشابه نیز یافته های وجود دارد که روی وجود این انجمن ها و رابطه مستمر اولیای شاگردان با مکاتب که اغلب و به صورت منظم از مجرای چنین انجمن ها و نهادها تأمین می شود، تأکید شده است. در تحقیقی که چندی قبل تحت عنوان "دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان" روی دسترسی و زمینه های ممانعت و نرفتن اطفال به مکاتب و مسایل متنوع در این ارتباط صورت گرفته است یافته های قابل تاملی در این مورد وجود دارد. در این گزارش آمده است که از مجموع مسؤولان پرسش شونده مکتب ها که با والدین اطفال پرسش شونده مکتب ارتباط نگرفته اند ۴۱.۷ درصد گفته اند که به این خاطر با والدین اطفال ارتباط نمی گیرند چون آنها حاضر نمی شوند که به مکتب بیایند و ۵۸.۳ درصد گفته اند که در مناطق شان ارتباط با والدین اطفال رواج ندارد بر همین مبنا آنها ارتباط نگرفته اند. مسؤولان مکاتب و معلمان به خاطر رفع مشکلات تعلیمی و تربیتی، بهبود کیفیت تعلیم و تربیت و جلوگیری از تخلفات

قانونی و تأدیبی شاگردان به والدین شان باید در تماس باشند^{۲۴}. یافته‌های فوق نشان می‌دهد که به خاطر تأمین روابط میان مکتب و والدین، انجمن‌ها یا سازوکارهای مشابه که قادر به تأمین روابط میان والدین و شاگردان به خاطر بهبود وضعیت درسی باشد، از امور ضروری به حساب می‌آید.



نمودار ۹

کمبود معلم و کارمندان مکتب

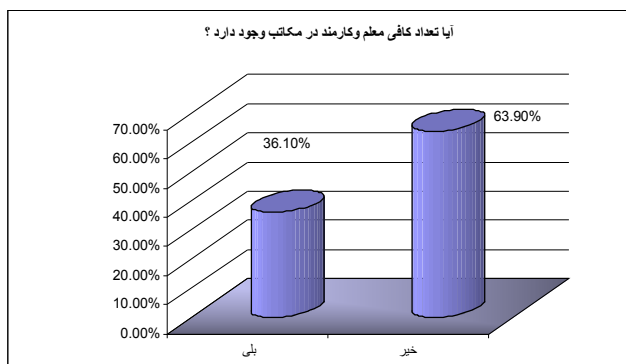
نهاد آموزشی و تربیتی پیش از همه روی نیروهای انسانی ورزیده، کارا و با کفایت استوار است. کمبود یا نبود کارمند مورد نیاز در یک مکتب یا هر نهاد آموزشی دیگر می‌تواند نتایج مثبت را متاثر سازد یا آنگونه که باید، نتیجه مطلوب از فعالیت‌ها و تلاش‌ها در مکاتب به دست نیاید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که درصد زیادی از پرسش‌شوندگان از کمبود معلم و کارمند در مکاتب‌شان شکایت داشتند. در پرسش در همین مورد که آیا در مکتب تان به تعداد کافی معلم و کارمند وجود دارد؟ صرفاً ۳۶٫۱ درصد پاسخ‌دهندگان جواب مثبت و ۶۳٫۹ درصد دیگر گفته‌اند که در مکاتب‌شان معلم کارمند کافی وجود ندارد. ارقام به دست آمده در مورد نیازشان به معلم و کارمند از ۱ نفر تا ۳۰ نفر در تغییر است. کمبود و نیاز مبرم به معلم موضوعی است که در یافته‌های تحقیقات مشابه نیز به دست آمده است. در تحقیق دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان آمده است که از مجموع مسؤولان مکاتب زیر پوشش تحقیق ۴۱ درصد گفته‌اند که معلمان مکاتب‌شان نسبت به تعداد شاگردان‌شان بسنده نیست. به همین ترتیب از مجموع ۲۵ تن از رؤسای معارف ولایات تنها ۲۰ درصد گفته‌اند که

– دلاور نظیر زوی – دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان – رابطه متقابل اداره مکتب و والدین شاگردان.

تعداد معلمان شان به تناسب تعداد شاگردان شان کفایت می کنند و ۸۰ درصد گفته اند که کفایت نمی کنند.

علاوه بر آنچه گفته شد، نتایج تحقیق قبلی نشان می دهد که تعداد معلمان فعلی در مکاتب، برطرف کننده نیازمندی های آموزشی نظام تعلیم و تربیت کشور نبوده و این امر یکی از مشکلات بزرگ فراراه نظام تعلیمی کشور به شمار می رود. همچنان به دلیل کمبود معلمان یک تعداد شاگردان مکاتب به گونه منظم به مکتب نمی روند و قابل نگرانی است که به دلیل نبود و کمبود معلم در مکاتب، بعضی اطفال، مکتب را ترک کرده اند.^{۲۵}

یافته های فوق نشان می دهد که کمبود معلم یکی از وامل مهم در رشد، شکوفایی و پیشرفت تعلیمی شاگردان بحساب می آید. در صورت عدم توجه به این عامل، شاگردان مکاتب به مشکلات فراوانی چون عقب ماندن، درس نخواندن، ترک مکتب و شکلات بی شمار دیگری مواجه خواهند شد.



نمودار ۱۰

ارزیابی در مکاتب

ارزیابی پیشرفت امور و فعالیت های تعلیمی شاگردان و سنجش موفقیت آنها از موضوعات کلیدی در مکاتب به حساب می آید. سیستم سازوکار ارزیابی در مکاتب باید موارد کلیدی و قابل توجهی را پوشش دهد. شیوه ها و شکل ارزیابی باید پیشرفت، عقب گرد یا بی تفاوتی شاگردان را ارزیابی نماید. رفتار، برخورد شاگردان در صنف و محیط مکتب، رفتار و نحوه برخورد استادان با شاگردان باید مورد ارزیابی قرارگیرد.

بنابر گزارش های نهادهای بین المللی نظیر صندوق کمک به اطفال دفتر ملل متحد (UNICEF) در امور کودکان آمده است که ارزیابی باید دربرگیرنده موارد سیاست ها و برخوردهای در مکاتب شود که منجر به تبعیض، برخوردهای ضد حقوق بشری و خشونت های فیزیکی در

مکاتب می‌شود. ارزیابی‌ها باید به هدف گسترش عدالت و برابری جنسیتی و درک بیشتر اطفال از تعلیم و تربیت به مثابه یک حق بشری شود.^{۲۶}

در تحقیق حاضر تلاش شده تا وجود و نحوه ارزیابی و این که کدام افراد و بخش‌های موجود در مکاتب مسؤوّل این امر است، مطالعه و بررسی صورت گیرد. درپرسش‌هایی که به همین مناسب با پرسش‌شوندگان در میان گذاشته شده است، یافت‌های قابل توجهی به دست آمده است. در پرسش نخست که آیا سیستم ارزیابی در مکتب وجود دارد یا خیر، ۶۹٫۶ درصد جواب مثبت داده‌اند و مابقی که ۳۰٫۴ درصد را تشکیل می‌دهد گفته‌اند که چنین سیستمی در مکاتب شان وجود ندارد. در میان کسانی که به پرسش فوق جواب مثبت ارائه کرده‌اند، ۴۵٫۳ درصد گفته‌اند که ارزیابی مکتب و شاگردان توسط مدیر و سرمعلم مکتب صورت می‌گیرد، ۴٫۷ درصد آمرین دیپارتمنت‌ها، معلمان و معاون تدریسی را مسؤوّل ارزیابی شاگردان و مکاتب دانسته و ۴۱٫۷ درصد دیگر گفته‌اند که از طرف مسؤوّل مکتب درختم درس ارزیابی صورت می‌گیرد.

بنابر یافته‌های فوق، سیستم ارزیابی در بیشتر از صنف‌ها وجود دارد که این رقم تا حدودی رضایت بخش به نظر می‌رسد. اما حرف اساسی همانا کیفیت و چگونگی نظارت برصنوف و دست‌آوردها، پیشرفت‌ها و درکل تغییر مثبت ناشی از نظارت در مکاتب است که می‌باید توسط مسؤوّلان ارزیابی‌کننده در نظر گرفته شود.

تجهیزات و سهولت‌ها در مکتب

تجهیزات درسی و سهولت‌هایی که زمینه‌ساز رشد شاگردان در مکاتب می‌باشد یکی از پیش شرط‌های توسعه معارف و تعلیم و تربیت به حساب می‌آید. موجودیت محیط درسی منظم و آرام توأم با میز و چوکی، آزمایشگاه، کتابخانه، آب صحنی برای نوشیدن و شستشوی دست و پا، اتاق کامپیوتر، سالون یا اتاق بحث، میدان و محیط ورزش، کلینیک‌های مجهز، تشناب‌های مجهز و پاک از تجهیزات ضروری در مکاتب شمرده می‌شود. بنابراین در این تحقیق تلاش شده تا کم و کیف تجهیزات و امکانات ذکر شده مورد تحقیق قرار گرفته و پیامد ناشی از آن نشان داده شود.

وجود تسهیلات و امکانات در این تحقیق به صورت جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است که درکل نتایج زیر به دست آمده است. در پرسشی که درمورد وجود تشناب‌ها در مکاتب برای دختران مطرح شده است، ۴۹٫۵ درصد مصاحبه‌شدگان جواب مثبت داده که این رقم در مورد پسران با (۴۸٫۴ درصد جواب مثبت) تفاوت اندکی دارد. ۵۰٫۵ درصد از پاسخ دهندگان در مورد این پرسش گفته‌اند که چنین سهولت‌ها برای شاگردان دختر در مکاتب وجود ندارد. جواب این پرسش برای اطفال پسر مثبت و ۶۶٫۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که میدان بازی در مکاتب شان برای انجام تمرین‌های ورزشی وجود ندارد، از این میان صرف ۳۳٫۵ درصد گفته‌اند که در مکاتب‌شان میدان و زمینه ورزش وجود دارد.

کتابخانه که یکی از ارکان رشد و توسعه مطالعات آفاقی در مکاتب بحساب می‌آید، طبق این تحقیق در ۷۰,۴ درصد مکاتب کشور وجود ندارد و فقط در ۲۹,۶ درصد دیگر وجود دارد. کتاب‌های درسی که یکی از بدیهی‌ترین نیاز در هر مکتب شمرده می‌شود، در ۶۷ درصد مکاتب تحت پوشش این تحقیق وجود ندارد و صرف در ۳۳ درصد وجود دارد که با در نظر داشت ارقام نشر شده وزارت معارف اندک به حساب می‌آید. امکانات حفاظتی در مکاتب یکی از ضرورت‌های دیگری است که در ۷۶,۷ درصد مکاتب که در آن تحقیق صورت گرفته وجود نداشته است. موجودیت کلینیک، صنف درسی، دفتر اداری و اتاق مخصوص برای معلمان از جمله سهولت‌هایی به شمار می‌رود که از لازمه مکاتب معیاری به حساب می‌آید. اما با توجه به ارقام به دست آمده از تحقیقات ساحوی دیده می‌شود که در ۹۴ درصد از مکاتب تحت پوشش این تحقیق کلینیک، در ۳۸,۷ درصد دفتر اداری، در ۷۱,۷ درصد اتاق معلمان و در ۴۲,۴ درصد دیگر صنف‌های درسی وجود ندارد. ۸۴,۳ درصد پاسخ‌دهندگان در این تحقیق گفته‌اند که در مکاتب شان کمپیوتر وجود ندارد.

نظافت در مکاتب

نظافت در مکاتب امری است که بیش از همه به تربیت شخصی شاگردان وابسته بوده، و یکی از موضوعات مهم در نهادهای آموزشی و مکاتب به شمار می‌آید. در تحقیق حاضر به مسأله نظافت و رعایت آن در مکاتب توجه جدی صورت گرفته است. نظافت در صنف‌های درسی و تشناب‌ها یکی از موضوعات دیگری است که به خوبی میزان نظافت و رعایت آن را نشان می‌دهد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در ۴۵,۸ درصد مکاتب آب آشامیدنی وجود ندارد. در جواب سوال که در همین مورد پرسیده شده است، ۹,۷ درصد گفته‌اند که اصلاً نظافت در تشناب‌ها وجود ندارد، ۱۸,۳ درصد نظافت را در تشناب‌ها خوب ارزیابی کرده و ۲۳ درصد دیگر بسیار خراب ارزیابی کرده و مابقی پرسش‌شوندگان نظافت را خراب یا متوسط ارزیابی کرده است.

نظافت صنوف از موارد دیگری است که ۴۳,۷ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که نظافت صنوف شان خوب و ۳۴,۲ درصد دیگر گفته‌اند که نظافت صنوف شان متوسط می‌باشد. مابقی پاسخ‌دهندگان نظافت در صنوف را بسیار خراب ارزیابی می‌کند.

تعداد شاگردان ثبت شده صنوف

تعداد شاگردان در هر صنف نشان می‌دهد که آیا صنف‌های درسی از لحاظ تراکم شاگردان محیط درسی مناسبی را برای شاگردان مهیا می‌سازد یا خیر. مطابق طرز العمل وزارت معارف که در بحث بعدی به تفصیل می‌آید، در دوره‌های معین (ابتداییه، متوسط و لیسه) تعداد شاگردان در هر صنف از نصاب تعیین شده نباید تجاوز کند. در دوره ابتداییه در هر صنف ۴۰، متوسط ۳۵ و دوره لیسه ۳۰ شاگرد در هر صنف می‌باشد. این ارقام نشان می‌دهد که در هر صنف

بیش از حد تعیین شده، محیط آرام درسی را از لحاظ روانی کاملاً آسیب زده و سبب می شود که شاگردان به صورت درست به امور آموزشی و فعالیت های درسی شان نرسند.

ارقام به دست آمده از معلومات ساحوی نشان می دهد که تعداد شاگردان هر صنف از ۹ نفر شروع تا ۱۴۰ نفر می رسد. در میان شاگردان ثبت شده در مجموع می توان ۷ دسته یا گروه بندی را یافت. در دسته اول از ۹-۲۰، دسته دوم ۲۱-۳۰، دسته سوم ۳۱-۴۰ دسته چهارم ۴۱-۵۰ دسته پنجم ۵۱-۶۰ دسته ششم ۶۱-۸۰، دسته هفتم ۸۱-۱۴۰ نفر در هر صنف ثبت نام کرده اند.

حضور و غیاب شاگردان

حضور و غیاب شاگردان در مکاتب و صنف های درسی یکی از موضوعاتی است که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. حضور و غیاب شاگردان از یک سو نشان دهنده دلایل و مشکلات به خصوص خود آنهاست که مانع حضور منظم شان در صنف های درسی می شود و از سوی نشان می دهد که آیا مکاتب برای پی گیری و حل مشکلات غیبت و دلیل غیبت شاگردان، برنامه های کارا روی دست دارند یا خیر. ارقام به دست آمده در این تحقیق نشان می دهد که حداقل ۲ دسته مختلف از شاگردان وجود دارد که مرتب به مکتب حاضر نمی شوند. در دسته اول، از ۲-۱۰ شاگرد روزانه شامل صنف درسی می باشد که این رقم بیانگر حداقل از حضور شاگردان در یک صنف درسی است. طرز العمل وزارت معارف، میانگین شاگردان را در مکاتب ابتدایی ۴۰ شاگرد، متوسط ۳۵ شاگرد و لیسه ۳۰ شاگرد در یک صنف تعیین کرده است. در دسته دوم ۱۰-۳۰ نفر در هر صنف حضور پیدا می کنند که با توجه به طرز العمل وزارت معارف با هم با معیار تعیین شده سازگاری ندارد.

عدم حضور شاگردان در صنف های درسی بنا به دلیل یا دلایلی صورت می گیرد که در این تحقیق به وضوح نشان داده شده است. در پاسخ به پرسش اول مبنی بر دلیل غیرحاضری شاگردان، ۴۲،۴ درصد شاگردان گفته اند که مریضی مانع حضور منظم آنها به صنف های درسی به حساب می آید. ۲۰،۹ درصد گفته اند که فقر سبب می شود که آنها منظم به مکتب نروند و ۱۶،۵ درصد دیگر فاصله راه را دلیل عمده برای عدم حضور منظم شان در صنف های درسی دانسته اند. مابقی پاسخ دهندگان دلایلی چون نبود درس، عدم امنیت، عدم علاقه، نبود تسهیلات، مصروفیت در کار و نبود کتاب های درسی را دلیل برای غیرحاضری شان دانسته اند.

جنگ و دعوای شاگردان

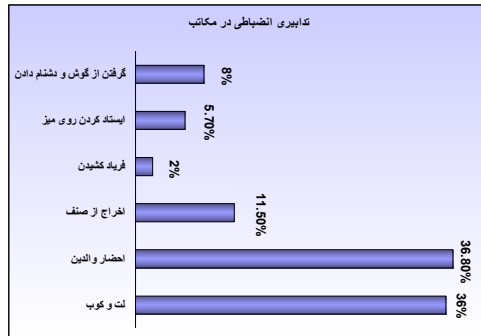
جنگ و مشاجره شاگردان یکی از مشکلات جدی در راستای رشد و پیش برد امور آموزشی در مکاتب به حساب می آید. در پرسشی که برای یافتن چگونگی وقوع و میزان گستردگی جنگ و دعوای شاگردان در مکاتب مطرح شده است، ۴۸،۴ درصد پاسخ دهندگان گفته اند که شاگردان در مکاتب با همدیگر جنگ و دعوا برپا می کنند. ۴۲،۷ درصد دیگر گفته اند که جنگ و دعوا وجود ندارد. ۸،۹ درصد دیگر از پاسخ دادن به این پرسش خودداری کرده اند.

در پاسخ به این پرسش که جنگ و دعوا میان شاگردان بعد از چه مدتی اتفاق می‌افتد، ۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که مرتباً، ۲۱،۷ درصد به ندرت و ۲۰،۹ درصد دیگر گفته‌اند که بعضاً اتفاق می‌افتد. در پرسش دیگر مبنی بر اینکه آیا جنگ و دعوا در حدی جدی می‌شود که نیازمند مداخله والدین و مدیرمکتب می‌باشد، پاسخ‌های زیر به دست آمده است. ۴،۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که جنگ و مشاجره میان شاگردان مرتباً، ۱۳،۴ درصد گفته‌اند که به ندرت ۱۹،۹ درصد گفته‌اند که جنگ و مشاجره، بعضاً منجر به مداخله مدیران مکاتب و والدین می‌شود. درصدی اندکی دیگر گفته‌اند که جنگ و دعوی شاگردان هیچ‌گاه منجر به مداخله مدیران مکاتب و والدین نشده است.

تدابیر انضباطی در مکاتب

تدابیر انضباطی در مکاتب، معمولاً به منظور مراقبت، کنترل و دست‌یافتن به اهداف تربیتی که در سرفلحه نهادها و مراکز تعلیمی و تربیتی قرار دارد، به کار گرفته می‌شود. آنگونه که دو کلمه تعلیم و تربیت همیشه یکجا به کار برده می‌شود، بنابراین انضباط، نظم و مراقبت شاگردان را نمی‌توان از تعلیم، آموزش و رشد علمی آنها جدا کرد. به همین دلیل است که در نظر گرفتن ضابطه‌ها و هنجارهای تربیتی در نظام آموزش و پرورش هر کشور یکی از موضوعات عمده به حساب می‌آید. بنابراین تدابیر انضباطی توأم با خشونت و رفتارهای نامناسب با شاگردان، مکاتب و معلمان مکاتب را از اهداف تعیین شده تعلیم و تربیت دور می‌سازد. یافته‌های ساحوی این تحقیق، نشان می‌دهد که تدابیر نامناسبی در مکاتب به منظور کنترل و مراقبت شدیدتر شاگردان اعمال می‌شود. در پاسخ به پرسشی به این عبارت که چه تدابیر انضباطی از سوی معلمان در مکتب عملی می‌گردد، ۳۶ درصد از شاگردان لت و کوب را یکی از روش‌های رایج و متداول در مکاتب دانسته‌اند. ۳۶،۸ درصد دیگر احضار والدین را به مثابه یکی از روش‌های معمول دانسته، ۱۱،۵ درصد دیگر اخراج از صنف، ۲ درصد فریادکشیدن، ۵،۷ درصد ایستاد کردن روی میز، ۸ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که برای تادیب و مراقبت از گوش آنان محکم گرفته یا آنها را دشنام می‌دهند.

با در نظر داشت ارقام و معلومات فوق، تدابیری که در مکاتب اتخاذ می‌شود، خلاف هنجار و سیاست معارف بوده و به ضد آنچه که معلمان گرامی اراده می‌کنند تبدیل می‌شود.



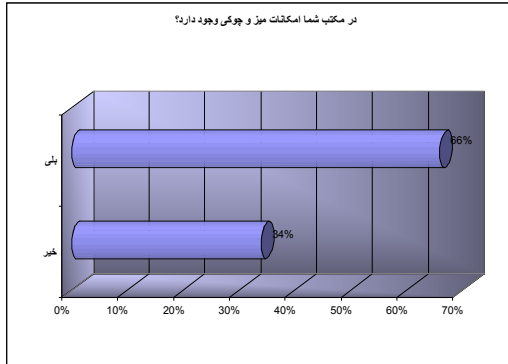
نمودار ۱۱

تجهیزات و تسهیلات صنف‌ها

تجهیزات و تسهیلات در صنف‌های درسی می‌تواند به عنوان ممد خوبی در یادگیری و زمینه‌سازی محیط مناسب برای شاگردان تلقی شود. علاوه بر این، تجهیزات و تسهیلات در صنف‌های درسی به مثابه ضرورت جدی محسوب می‌شود که نبود آنها رشد ذهنی، صحت و علاقه‌مندی شاگردان را به درس و مکتب آسیب می‌زند. در یک مکتب وجود کتاب، تخته سیاه، روشنی آفتاب و غیره از جمله ابتدایی‌ترین نیازهای محسوب می‌شود که ادامه امور آموزشی بدون آنها ناممکن به نظر می‌رسد.

در این تحقیق پرسش‌هایی درباره این مسایل مطرح شده که از رهگذر آن، اطلاعات مفیدی به‌دست آمده است.

در پرسشی که در مورد وجود میز و چوکی در مکاتب تحت پوشش این تحقیق مطرح شده، ۳۴ درصد پاسخ‌دهندگان پاسخ منفی و مابقی (۶۶) درصد دیگر به این پرسش پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند. در پرسش دیگر ۱۴،۴ درصد گفته‌اند که در مکاتب آنها تخته سیاه وجود ندارد، اما ۸۵،۶ درصد دیگر گفته‌اند که آنها در مکاتب‌شان تخته سیاه دارند. ۲۸،۸ درصد گفته‌اند که آنها وسایل یا امکانات تهویه ندارند اما ۷۱،۲ درصد دیگر گفته‌اند که آنها امکانات تهویه دارند. در پرسش‌های دیگر در مورد روشنی آفتاب، وجود برق و سیستم سرد/گرم‌کننده پاسخ‌های زیر به دست آمده است. ۲۱،۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند در صنف‌شان روشنی آفتاب وجود ندارد، اما ۷۸،۵ درصد دیگر به این پرسش جواب مثبت داده‌اند. ۸۵،۶ درصد پاسخ داده‌اند که در صنف‌های درسی‌شان برق وجود ندارد اما ۱۴،۴ درصد دیگر گفته‌اند که آنها در صنف‌های درسی‌شان برق دارند. از مجموع پرسش‌شوندگان که در مورد موجودیت AC (سیستم سرد/گرم‌کننده) در مکاتب آنها پرسیده شده، صرف ۲،۱ درصد گفته‌اند که آنها از این سهولت برخوردارند و مابقی (۹۷،۹) درصد جواب منفی داده‌اند. اگر این ارقام را به عنوان یک نمونه به مکاتب دیگر افغانستان تعمیم دهیم، نشان‌دهنده این امر است که برخی از سهولت‌ها و تجهیزات ضروری در تعدادی از مکاتب افغانستان وجود ندارد.



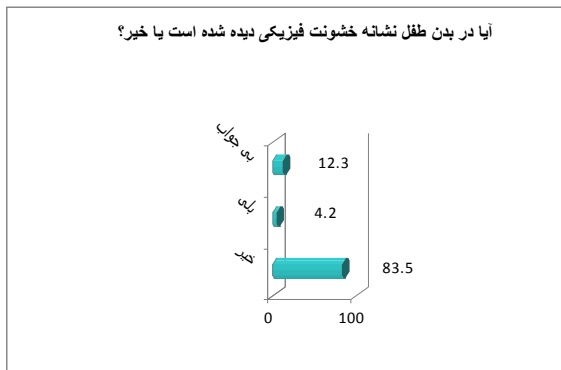
نمودار ۱۲

خشونت‌های فیزیکی با شاگردان

خشونت‌های فیزیکی در مکاتب یکی از عمده‌ترین مشکلات به حساب می‌آید. خشونت‌های فیزیکی معمولاً با نیت و اهداف تربیتی و گاهی به خاطر سرکوب و تنبیه شاگردانی که از نظم حاکم در مکاتب سرپیچی می‌کنند به کار برده می‌شود. اما خشونت فیزیکی با ظاهر و نیت تربیتی به نتایج معکوس و پیامدهای غیرمنتظره منجر می‌شود. از این رو با در نظر داشت این که خشونت‌ها و شکنجه فیزیکی در مکاتب وجود دارد یک امر معمول و عادی به حساب می‌آید، هیچ عمل و برنامه‌ای مبنی بر کاهش و نکوهش این پدیده در مکاتب اعمال نمی‌شود.

آنگونه که در عنوان قبلی (تدابیر انضباطی در مکاتب) آمد، رقم بالایی از شاگردان گفته‌اند که لت و کوب، ایستاد کردن روی میز، گرفتن از گوش و موارد شبیه اینها در مکاتب وجود دارد. ادعان به وجود خشونت و رفتارهای خشونت‌آمیز در مکاتب، گویای وضعیت نامطلوب و در تضاد با اهداف و برنامه‌های کلی معارف در یک کشور می‌باشد.

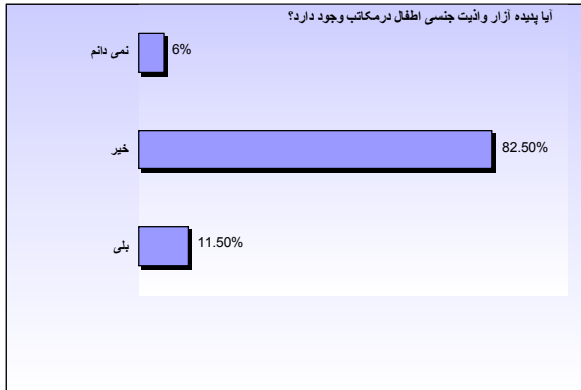
پرسشی در این ارتباط که آیا در بدن کدام طفل نشانه‌ای خشونت فیزیکی دیده شده است یا خیر در پرسشنامه‌های تحقیق کنونی، مطرح شده اما یافته‌های آن تاحدی رضایت‌بخش و مطلوب به نظر می‌رسد. در پاسخ به پرسش فوق، ۸۳٫۵ درصد جواب منفی، ۴٫۲ درصد جواب مثبت و مابقی ۱۲٫۳ درصد از جواب‌دادن ابا و ورزیده‌اند.



نمودار ۱۳

آزاروآذیت جنسی شاگردان

آزاروآذیت جنسی اطفال یکی از معضلات جدی است که در محلات و اماکن مختلف اطفال را تهدید می‌کند. آزاروآذیت جنسی در مکاتب، یکی از موضوعاتی است که پیامدها و نتایج ناگوار بر شخصیت و رفتار اطفال بجا می‌گذارد. به دلیل حساسیت فرهنگی که نسبت به طرح و بحث روی زمینه‌ها و شرایط وقوع آزاروآذیت جنسی اطفال در جامعه ما وجود دارد، نمی‌توان به نتایج مطلوب و قابل توقع دست یافت. با در نظر داشت تمام موانعی که ذکر شد، یافته‌های قابل توجهی در تحقیق کنونی به دست آمده است. ۱۱،۵ درصد معلمان مکاتب در این تحقیق پذیرفته‌اند که آزاروآذیت جنسی در مکاتب وجود دارد. اعتراف و اذعان به وجود پدیده مخرب در درون مکاتب اساساً یک موفقیت به منظور یافتن راه حل محسوب می‌شود. ۸۲،۵ درصد اظهار داشته‌اند که چنین چیزی در مکاتب کشور وجود ندارد و ۶ درصد دیگر از ارائه جواب خودداری کرده‌اند. وقتی از معلمان پرسیده شده که آیا آنها خود با این پدیده در مکاتب مواجه شده‌اند، ۸،۶ درصد جواب مثبت ارائه کرده، ۶۴،۹ جواب منفی داده و ۲۶،۵ اظهار داشته که در این زمینه چیزی نمی‌دانند. ۴۹،۲ درصد استادان مکاتب به این باوراند که آموزش در رابطه به پیامدهای آزاروآذیت جنسی اطفال و منع آن می‌تواند در از میان بردن این پدیده کمک نماید، ۱۶،۵ درصد در رابطه به نقش آموزش امیدی ندارند و جواب منفی داده و ۳۴،۳ درصد دیگر از ارائه جواب خودداری کرده‌اند. طوری که از مطالعه ارقام و یافته‌های فوق به دست می‌آید، پدیده آزاروآذیت جنسی اطفال در مکاتب نیز وجود دارد که اذعان به وجود آن می‌تواند ما را به یافتن راه‌ها و شیوه‌های حل آن نزدیک سازد.



نمودار ۱۴

نتیجه گیری و پیشنهادها:

یافته‌ها و ارقام به دست آمده در این تحقیق، زوایای گوناگون معارف، کاستی‌ها و نارسایی‌های مختلف در مورد سیاست‌های تعلیم و تربیت، کمک‌ها و توجه مقام‌های مسؤول و مواردی نظیر اینها را به خوبی توضیح می‌دهد. یافته‌های تحقیق حاضر وضعیت تعلیم و تربیت را مورد پژوهش و مطالعه قرار داده که شرح یافته‌های آن در متن گزارش، زوایای مختلف این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد.

آنگونه که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، دسترسی به تعلیم و تربیت با کیفیت در افغانستان به سه عامل مهم و کلیدی ارتباط می‌گیرد: در گام نخست تغییر و اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های معارف که زمینه برخورداری تمام اقشار مردم را از این حق مهیا کند؛ موضوع دوم، تهیه و فراهم‌سازی امکانات و سهولت‌های مورد نیاز در تمام مکاتب کشور که اساساً بدون آنها رشد و توسعه معارف امکان پذیر نخواهد بود. عامل سوم نظارت و رابطه پی‌گیر مسؤولان و ارگان‌های مسؤول و مسؤولان ذی‌ربط در مکتب‌ها طبق برنامه معین می‌باشد که این امر به خوبی از کم‌کاری، غفلت و بی‌توجهی در مکاتب کشور جلوگیری نماید.

معلولیت معلمان و شاگردان در مکاتب، موضوع مهم دیگری است که نیازمند اتخاذ برنامه ها و سیاست های کارا و مؤثر می باشد. بنابراین با توجه به یافته های این تحقیق، پیشنهادهای زیر تهیه و ترتیب شده که به منظور حل کاستی ها و مشکلات فراراه نظام معارف ارایه می شود:

- رعایت معیارهای حقوق بشری و تعهدات بین المللی در نصاب های درسی وزارت معارف (به ویژه بخش معارف اهداف برنامه توسعه هزاره سوم ملل متحد) در رابطه به تعلیم و تربیت؛
- اصلاح و بازنگری قانون معارف مطابق به ارزش ها و معیار جهانی حقوق بشر، انفاذ و رعایت آن؛
- ازدیاد مکاتب دخترانه در مناطق دوردست کشور تا حضور و مشارکت بیشتر دختران در عرصه معارف تضمین شود؛
- توجه جدی ارگان های امنیتی به مشکل امنیت دختران و کارمندان زن مکاتب در مسیر راه مکتب و خانه؛
- تشکیل سپاه معارف به منظور تبلیغ، آگاهی دهی و کار در راستای تعلیم و تربیت و محو بی سوادی؛
- اتخاذ برنامه های مؤثر آموزشی برای معلمان در مورد شیوه های جدید آموزش و برخورد با شاگردان؛
- اقدام جدی با کسانی که در مکاتب و نهادهای آموزشی برای تأدیب و انضباط شاگردان به خشونت های فیزیکی متوسل می شوند؛
- رسیدگی و توجه به کمبود امکانات و سهولت ها (میز، چوکی، لوازم آزمایشگاه و...) در مکاتب؛
- رفع نیازهای شاگردان به کتب درسی بویژه در مناطق دوردست و مکاتبی که فاصله زیادی با مراکز شهرها دارند؛
- استخدام نیروها و کارمندان توانا در نهادهای آموزشی و مکاتب کشور؛
- توجه جدی به معضل زبانی شاگردان و تهیه کتب به زبان مادری آنها مطابق قانون اساسی کشور؛
- آگاهی دهی در مورد آزارو اذیت جنسی شاگردان در مکاتب، مسیر مکاتب و اماکنی که از لحاظ امنیتی قابل اعتماد نیستند؛
- اتخاذ برنامه ویژه امنیتی و ایجاد یک سازوکار قانونی برای تأمین امنیت و مصونیت شاگردان دختر در مسیر راهها؛
- اعمار مکاتب جدید در مناطق کوهستانی و دوردست کشور، بویژه توجه به بعد فاصله مناطق مسکونی و مکاتبی که فعلا در آنجا وجود دارد؛
- توجه به موضوع نظافت و پاکی آبهای مکاتب (نوشیدن و شستن دست و پا)، صنف های درسی، محوطه مکتب و اتخاذ برنامه منظم از سوی مدیران و مسؤولان مکاتب در این راستا؛
- تدوین برنامه ویژه برای تبیین پیامد رفتارهای خشونت آمیز در مکاتب؛
- تبیین حقوق اطفال در مکاتب برای والدین اطفال از طریق شورای والدین در مکاتب.

پانوشت:

- ۱- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، آموزش حقوق طفل - کابل، ۱۳۸۴
- ۲- بند دوم ماده اول میثاق حقوق اشخاص دارای معلولیت - ناشر انجمن حمایتی ملی اشخاص دارای معلولیت (یو ان دی پی/ان دی پی)
۲. میثاق حقوق اشخاص دارای معلولیت، ماده اول، ناشر: انجمن حمایتی ملی اشخاص دارای معلولیت (UNDP/ANDP) سال چاپ ۱۳۸۶ هـ - ش / ۲۰۰۷ م
۳. بند سوم ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق طفل
۴. پلان استراتژیک ملی معارف افغانستان - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۹
۵. حسابدهی حکومت به ملت - سکتور وزارت معارف - صفحه ۱۶۷
۶. حسابدهی حکومت به ملت - سکتور وزارت معارف - صفحه ۱۶۷
۷. حقوق بشر در افغانستان - معیارهای ملی و بین المللی حقوقی، تهیه کنندگان: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کمیساریای عالی ملل متحد، کابل ۱۳۸۵ هـ - ش / ۲۰۰۶ میلادی
۸. حقوق بشر در افغانستان - معیارهای ملی و بین المللی حقوقی، تهیه کنندگان: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کمیساریای عالی ملل متحد، کابل ۱۳۸۵ هـ - ش / ۲۰۰۶ میلادی.
۹. حقوق بشر در افغانستان - معیارهای ملی و بین المللی حقوقی، تهیه کنندگان: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کمیساریای عالی ملل متحد، کابل ۱۳۸۵ هـ - ش / ۲۰۰۶ میلادی.
۱۰. صدای مؤسسات غیردولتی در رابطه به آموزش - سلسله اسناد بخش حمایتی اکبر - سال ۱۳۸۷
۱۱. صدای مؤسسات غیردولتی در رابطه به آموزش - سلسله اسناد بخش حمایتی اکبر - سال ۱۳۸۷
۱۲. قانون معارف، ماده سوم.
۱۳. قانون اساسی افغانستان - ماده چهل و سوم - ۱۳۸۲ - دارالانشا کمیسیون قانون اساسی.
۱۴. گزارش سوم اقتصادی و اجتماعی در افغانستان - تهیه کننده: کمیسیون مستقل حقوق بشر، قوس ۱۳۸۷
۱۵. گزارش مختصر فعالیت های انجام شده وزارت معارف در سال ۱۳۸۵ و پلان فشرده سال ۱۳۸۷.
۱۶. دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان - دلاور - نظیرزوی - نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر - تعداد معلمان - سال ۱۳۸۷
۱۷. دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان - دلاور - نظیرزوی - نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر - رابطه متقابل والدین و شاگردان - سال ۱۳۸۷
۱۸. گزارش مختصر فعالیت های انجام شده وزارت معارف در سال ۱۳۸۶ - پلان فشرده سال ۱۳۸۷ وزارت معارف.
۱۹. دسترسی عادلانه اطفال به تعلیم و تربیت در افغانستان - دلاور نظیرزوی - نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر - ۱۳۸۷.
۲۰. - A human rights based approach to education for all - UNICEF ۲۰۰۷
۲۱. - A human rights based approach to education for all - UNICEF ۲۰۰۷
۲۲. - A human rights based approach to education for all - UNICEF - ۲۰۰۷
۲۳. - Social watch report ۲۰۰۸ - rights is the answer, education.